

قاتل ندا پیدا میشود!



مصاحبه اعتماد با معلم موسیقی ندا کیوان مهرگان

حمید پناهی مدرس موسیقی ندا آقا سلطان تنها کسی است که از دقایقی پیش از حادثه تا زمان مرگ وی در کنار او بوده است. بقیه در صفحه ۱۰

* دیدگاه *

جنبش مردمی و جناح‌های مختلف حکومت

علیرضا تقفی خراسانی

جنبش اجتماعی مردم ایران که این روزها مرحله‌ی حساسی را می‌گذراند در سی سال اخیر با افت و خیزهای فراوانی روبرو بوده است. این حرکت مردم که نمی‌توان آن را از مبارزات سی سال گذشته جدا کرد، در ابعاد مختلف همان خواسته‌های سی ساله گذشته را دنبال می‌کند. بقیه در صفحه ۵

خبرها در صفحه ۱۲

مقاومت مردم؛

تعادل کودتاچیان را بر هم زده است

ارژنگ بامشاد

وقتی مبارزه مردمی از هر گوشه این کشور پهناور، شعله ور شده و کودتاچیان را به محاصره در آورد، آن وقت است که هیچ نیرویی توان خاموش کردن این شعله‌های آتش خشم و نفرت مردم را نخواهد داشت... بقیه در صفحه ۲

هیولای ولایت مطلقه

و پاسدارانش

آنها صبح در کارخانه‌های غضب شده از طریق رانت حکومتی به عنوان رییس کارخانه دمار از گردنه کارگران می‌کشند، بعد از ظهر با "لباس شخصی" در خیابان‌ها جوانان مردم را به گلوله می‌بندند، شب‌ها با لباس رسمی پاسداری در شکنجه‌گاه‌های خصوصی "موازی" دستگیرشدگان را شکنجه می‌کنند و زیر شکنجه به قتل می‌رسانند و همزمان سعی می‌کنند اخبار و گزارش‌های جنایات‌شان را از طریق نظارت بر فیلترینگ سایت‌ها و تلاش برای تحت کنترل گرفتن فضای سایبر پنهان کنند... بقیه در صفحه ۳

آیا تعطیلی کهریزک و قربانی نمودن احتمالی چند

مزدور رژیم، دستگاه ولایت را از آتش خشم مردم حق

طلب نجات خواهد داد؟

احمد نوین

خیزش مظلومانه اخیر مردم ایران در اعتراض به نظام ولایت فقیه و سرکوب وحشیانه آنان و به ویژه جوانان که بدن‌هایشان بوسیله گلوله‌های مزدوران رژیم سوراخ، سوراخ میشود و فاش شدن وجود یک سازمان امنیتی موازی دیگر توسط آخوند علی سعیدی نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران، بقیه در صفحه ۴

مقاومت مردم؛ تعادل کودتاجیان را بر هم زده است

ارژنگ بامشاد

تظاهرات میلیونی مردم در ۲۶ تیرماه ۸۸ و شعارهای کوبنده شان علیه ولی فقیه و دولت کودتا، در ادامه ی حرکت ها و اعتراضات یک ماه پیش از آن، تمامی معادلات کودتاجیان را به هم ریخت. تظاهرات ۳۰ تیر هم نشان داد که این مردم دیگر نمی خواهند چون گذشته حکومت شوند. مردم یک بار دیگر نشان دادند که از تیر و تفنگ و چماق و باطوم هراسی به خود راه نمی دهند. افشاگری های خانواده های شهدا و روحیه ی تحسین برانگیزشان، قدرت مقاومت مردمی را بیش از پیش نشان داد. اعتراضات خانواده های دستگیرشده گان و همدردی مردمی با آن ها نیز، طرح های مرعوب کننده سروکوبگران کودتاجی را نقش بر آب کرد. مقاومت گسترده ی توده ای در اشکال گوناگون آن، نه تنها کودتاجیان را در گام های اولیه خود زمین گیر کرد بلکه شکاف در بالای حکومت را به شکل حیرت انگیزی دامن زد. شکافی که نه تنها در سطوح بالای حکومتی روز به روز شدت می گیرد، بلکه به دستگاه روحانیت نیز کشیده شده است.

یکی از مهمترین جلوه های بروز شکاف در بالای حاکمیت سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ تیرماه بود. نماز جمعه ای که در محاصره دو میلیون نفر انجام گرفت و فشار بر رفسنجانی را به شدت بالا برد و باعث شد حداقل در آن مقطع او را از پیوستن به اردوی کودتاجیان باز دارد. رفسنجانی در این نماز جمعه، حرف های باب طبع رهبر کودتا و ملایان مدعی ارتباط با امام زمان و "سرداران امام زمان" و "سربازان گمنام امام زمان" بر زبان نیاورد. از دولت کودتا حمایت نکرد؛ مشروعیت آن را به رسمیت نشناخت که هیچ، تردید خود در سلامتی انتخابات را بیان داشت؛ سیاست سروکوبگرانه ی رهبر کودتا را فصل الخطاب ندانست و در مقابل، خواهان آزادی دستگیرشده گان شد و پا را از این هم فراتر گذاشت و خواهان عذرخواهی از مردمی شد که زیر ضربات باطوم و شلاق و هدف تیرهای تک تیراندازهای مزدور و جانی قرار گرفته بودند. به دیگر سخن، خطبه های رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ تیرماه، شکاف در میان حکومت را در بالاترین سطوح آشکار ساخت. شکافی که آه از نهاد ذوب شده گان در ولایت برآورد. اما این خطبه ها، تنها نمود این شکاف نبود. مجمع روحانیون مبارز و رئیس آن محمدخاتمی، رسماً خواهان برگزاری رفراندوم برای مشروعیت یا عدم مشروعیت دولت احمدی نژاد شدند. امری که با توجه به حمایت آشکار و بی قید و شرط خامنه ای از دولت کودتا، به نحوی غیرمستقیم، به رفراندوم گذاشته شدن صلاحیت رهبر رژیم هم هست. خاتمی در دومین واکنش در این مورد اعلام کرد که رفراندوم، آخرین شانس رژیم است. او بیان داشت که: "در صورت نپذیرفتن این پیشنهاد، عملاً دیگر راهکارهای قانونی هم به روی مردم بسته شده و شرایطی به وجود می آید که به صلاح نظام نیست".

ایستادگی رفسنجانی در برابر فشار کودتاجیان "امام زمانی" و صراحت و تکراری خاتمی از بسته شدن راهکارهای قانونی، عمق جنبش مردمی را نشان می دهد که از اعماق جامعه در حال ساختن تاریخ است. اما اگر رفسنجانی و خاتمی از عمق، وسعت و ظرفیت جنبشی که در حال تبدیل شدن به سیل بنیان کن هست، نگرانند، اصحاب کودتا به سرگیجه ی مریگاری دچار شده اند. یزدی نایب رئیس مجلس خبرگان خطاب به رئیس این مجلس می گوید: "شما چه کاره اید؟" انگار از نقش و جایگاه هاشمی رفسنجانی در نظام اسلامی و استقرار و تداوم آن بی خبر است. حسین شریعتمداری سربازجوی کیهان، خاتمی را مجری طرح های سازمان اطلاعاتی آمریکا "سیا" معرفی می کند. او خود را به فراموشی می زند که محمدخاتمی یکی از خادمان نظام اسلامی و به مدت هشت سال رئیس جمهور آن بوده است. از این مضحک تر، نامه سرلشکر فیروزآبادی به امام زمان است که برای فرار از جنایاتی که در حق مردم روا داشته و سینه های مالامال از عشق جوانان این مرز و بوم را با گلوله های بسبیجیان و پاسداران و تک تیراندازهای شان از هم می درند و یا در زیر شکنجه، آن ها را به شهادت می رسانند، می گوید که نیروهای ما، مسلح نبودند. گویا تیرهای شلیک شده به قلب نداها و سهراب ها و اشکان ها، تیرهای غیبی بوده اند. خامنه ای نیز رفسنجانی را تهدید کرده است که ممکن است به دلیل حرف هایی که زده و حرف هایی که نرزه، از مسنولیت های خود "موقوف" کند. تهدیدی که جمع آوری امضاء علیه رئیس مجلس خبرگان، در میان آخوندها و طلبه های قم و یا در میان برخی از اعضای مجلس خبرگان را به دنبال داشت. آخوند علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه نیز رفسنجانی را از سرنوشت منتظری می ترساند. اما دامنه ی سرگیجه کودتاجیان به همین جا ختم نمی شود. واکنش های عصبی محمود احمدی نژاد در پی گماردن اسفندیار رحیم مشائی به معاون اولی رئیس جمهوری،

نامه خامنه ای برای عزل او و پذیرش درخواست خامنه ای پس از یک هفته، بحران و عدم تعادل در تصمیم گیری ها را به حلقه اصلی کودتاجیان نیز کشانده است. برکناری وزیر اطلاعات و استعفای وزیر ارشاد، دولت نهم را در دو هفته پایانی کار خود، در هوا معلق کرده است.

اگر بحران سیاسی، بالای حاکمیت را به هم ریخته است، اقدامات نیروهای امنیتی و بازجویان وابسته به کودتاجیان، ابعاد جنایت کارانه تری به خود گرفته است. آن ها که وحشت مرگ رژیم، ترس به جانشان انداخته است، چاره را در آن دیده اند تا از جوانان مردم در بازداشتگاه ها، انتقام بگیرند. هیچ روزی نیست که خبر از شهادت فرزند دیگری در زیر شکنجه، در بازداشت گاه های گوناگون کودتاجیان منتشر نشود. کار به جانی رسیده است که حتی مجلسیان رژیم نیز نگران شده اند. همین نگرانی، آن ها را واداشته تا هینتی هفت نفره را برای بررسی به زندان ها اعزام دارند. هاشمی شاهرودی نیز در واکنش به فشارهای گوناگون هینتی سه نفره را مسئول رسیدگی به وضع زندانیان و تعیین تکلیف آن ها ظرف یک هفته کرده است. هم چنین رهبر کودتا نیز دستور بسته شدن یکی از بازداشتگاه های غیررسمی که به کشتارگاه زندانیان تبدیل شده بود، را صادر کرده است تا شاید فشار عمومی و جهانی بر رژیم را کاهش دهد. اخبار گسترده گی شکنجه ها، خشونت در بازجویی ها برای اعتراف گیری ها، شیوع بیماری های خطرناک و کشنده در بازداشتگاه ها و حاکمیت قانون چنگل در زندان ها که تحت امر "سرداران امام زمان" انجام وظیفه می کنند، نگرانی در میان طرفداران رژیم را نیز به شدت افزایش داده است. تا جایی که وقتی محسن روح الامینی فرزند مشاور محسن رضایی دستگیر و سپس به شهادت رسید، هم وزارت اطلاعات، هم نیروی انتظامی و هم سپاه از خود سلب مسنولیت کردند به گونه ای که برخی از رژیمیان را در این ابهام گذاشته اند که به دنبال آن باشند که دریابند، نیروی اصلی کودتا، چه نیرویی است.

درست در شرایطی که کودتاجیان تعادل خود را از دست داده اند و حتی نگران آن هستند که مراسم تحلیف و تنفیذ حکم رئیس دولت کودتا در ۱۴ مرداد، با بایکوت گسترده ای از سوی برخی از طرفداران نظام و مقامات آن روبرو شود، جنبش مردمی با استواری، روی خواسته های خود ایستاده است. هر چند حضور مردم در خیابان ها با محدودیت روبرو شده است، اما هر اقدام و حتی پخش خبر اقدام توده ای، کودتاجیان را به وحشت می اندازد. بی جهت نیست که در ساعت ۹ شب سی تیرماه، برای اولین بار سیمای جمهوری اسلامی، عقربه های ثانیه شمار ساعت ۹ را نشان نداد و اخبار را چند دقیقه دیر تر آغاز کرد، تا مردمی که قرار گذاشته بودند در این لحظه، شبکه های برق سراسری را با وصل لوازم برقی قوی خانگی از کار بیاندازند، نتوانند متحدانه عمل کنند. آن ها حتی مجبور شدند، مراسم ختم شهید محسن روح الامینی پسر مشاور محسن رضایی در مسجد بلا صدا و سیما را که از قبل اعلام کرده بودند، از ترس حضور مردم لغو کنند.

هم زمان با مقاومت و ایستادگی مردم کشور، موج حمایت از اعتراضات توده ای و دفاع از خواست های برحق شان و تلاش برای رساندن پیام این اعتراضات به گوش مردم جهان، با قدرت از سوی ایرانیان خارج از کشور در جریان است. در چند هفته ی اخیر شاهد اقدامات گسترده ای هم چون تظاهرات، راهپیمایی، تحصن، اعتصاب غذا، گردهم آیی و ابتکارات گسترده ی مردمی در بیش از صد شهر جهان از سوی ایرانیان و حامیان غیرایرانی بوده ایم. این اقدامات آن چنان پرده مانده بوده که در بسیاری از رسانه های فراگیر نیز انعکاس یافته است. این موج گسترده حمایت از مبارزات مردمی درخارج از کشور، افکار عمومی را نسبت به کودتایی که در ایران انجام گرفته است و سرکوب خشنی که در جریان هست به شدت آگاه و هشیار کرده است. فشار افکار عمومی، خود عاملی شده است که بسیاری از دولت ها در نحوه ی برخورد با دولت کودتا، با احتیاط بسیار عمل کنند. همین امر، فشار بر کودتاجیان را نیز به شدت افزایش داده است.

مقاومت درخشان و ضربات کوبنده جنبش مردمی، تاکنون توانسته است تعادل کودتاجیان را بر هم بزند؛ شکاف در ارکان نظام اسلامی را به بالاترین سطوح مدیریتی و حتی دستگاه روحانیت برساند؛ حتی دایره ی تنگ محافظه کاران طرفدار رهبر کودتا را نیز از هم بپاشاند؛ راه هایی برون رفت از بحران را بر آنان ببیند؛ حمایت افکار عمومی بین المللی را بدست آورد؛ انزوای بین المللی رژیم کودتای ولای را گسترده تر سازد؛ و قدرت مانور آن را به پایین ترین حد خود برساند. تمامی این ها، دستاوردهای گرانقدری است که با خون پاک جوانان و با فداکاری های بی شمار زنان و مردان این مرز و بوم چه در زندان ها و چه در بیرون از زندان ها به دست آمده است. این نتایج اولیه ی همبستگی توده ای است که روی خواست مشخص تعیین حق سرنوشت خود متحد شده اند.

هیولای ولایت مطلقه و پاسدارانش

*آنها صبح در کارخانه های غضب شده از طریق رانت حکومتی به عنوان رییس کارخانه دمار از گردنه کارگران می کشند، بعد از ظهر با "لباس شخصی" در خیابان ها جوانان مردم را به گلوله می بندند، شب ها با لباس رسمی پاسداری در شکنجه گاههای خصوصی "موازی" دستگیرشدگان را شکنجه می کنند و زیر شکنجه به قتل می رسانند و همزمان سعی می کنند اخبار و گزارش های جنایات شان را از طریق نظارت بر فیلترینگ سایت ها و تلاش برای تحت کنترل گرفتن فضای سایبر پنهان کنند.....

روشنگری: مردم و بویژه جوانان ایران که امروز در خیابان ها سینه هایشان آماج گلوله های پاسداران ظلمت و تباهی است، ماهیت دستگاه ولایی و تکیه گاه اصلی آن یعنی سپاه پاسداران و بسیج و لباس شخصی ها را می شناسند. آنها با عناصر مخوف و جنایتکار یک شبه حزب پادگانی روبرو هستند که با پول نفت پرور شده اند. و برای حفظ موقعیت مسلط در قدرت سیاسی به هر جنایتی دست می زنند و از تجاوز و تعرض در هیچ عرصه ای خودداری نمی کنند. در این زمینه ابهامی هم اگر بوده است با برافکنده شدن ردای عاریتی جمهورییت و عریان شدن دستگاه ولایی و تکیه گاه اصلی آن یعنی امنیتی ها و نظامیان در جریان کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد بیش از پیش برای همگان روش شده است. در حقیقت دستگاه ولایی اکنون چیزی نیست جز تعدادی انگشت شمار روحانی فاسد و شدیداً مستبد و واپس گرا در درون حتی مجموعه روحانیون که تنها و تنها به کمک پاسداران و نیروهای امنیتی حکومت می کنند. آنها مثل زالو بر همه هست و نیست این جامعه چنگ انداخته اند و از قدرت سرنیزه و خون و کشتار چنان سرمست شده اند که بی هیچ پروا جوهر عریان فاشیستی هسته اصلی قدرت و تکیه گاه آن را حالا دیگر آشکارتر از هر زمان بیان می کنند. در میان این از گور برخاسته گان قرون وسطایی که آشکارا به ستایش از حکومتگری با اتکا به سرنیزه و تحت لوای "پیشوایی" پرداخته اند که رسماً در برابر مردم پاسخگو نیست، آخوند علی سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران است. او در گفتگو با خبرگزاری ایلنا به مناسبت روز پاسدار صریح تر از دیگران جوهر فاشیستی دستگاه ولایی و ضدیت ماهوی آن با حق رای و جمهورییت را از طریق تبیین نقش و جایگاه کنونی پاسداران در ساخت قدرت، برملا می کند.

این روزها برای خانواده های اسرای جنبش اعتراضی مردم ایران، روزهایی آکنده از درد و دریغ و مصیبت است. روزی نیست که پیکر مثله شده جوان جانباخته ای به خانواده اش تحویل نشود. شیون مادران جوان از دست داده سقف را شکافته است و دیوارهای ساتسور رژیم را درنوردیده و در جهان طنین انداز شده است. حدیث آوارگی و دربردی این مادران که مادر سهراب تنها نمونه ای از آنهاست قلب هر انسانی را بشدت جریحه دار می کند. مادران و پدران جوانان بازداشت شده روزها از این بازداشت گاه به آن بازداشتگاه، از این زندان به آن زندان، از قوه قضاییه به دادگستری، از آنجا به نیروی انتظامی و به اداره اطلاعات در جستجوی گمشدگان خویش سردوانده می شوند و هیچکس مسوولیت کشتار و قتل و شکنجه جگرگوشه هایشان را به عهده نمی گیرد. راستی چه کسانی این جوانان را در زندان های مخفی و علنی زیر شکنجه به قتل می رسانند؟ راستی کدامشان پاسخگوست؟

تا قبل از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد، اعلام صریح برخورداری از سازمان اطلاعات، موازی با دستگاه اطلاعاتی موجود رژیم و یا دارا بودن شکنجه گاههای خصوصی از سوی سپاه پاسداران نوعی افشاگری محسوب می شد، حالا نماینده خامنه ای در سپاه آشکارا وجود سازمان اطلاعات موازی در سپاه پاسداران و کار اطلاعاتی پاسداران را تایید می کند و به ایلنا می گوید: "فعالیت (امنیتی) سازمان سپاه یگ کار موازی لازم است" و تاکید می کند که "به هیچ عنوان کار موازی مضر نیست". تا پیش از کودتای ۲۲ خرداد، اشاره به وجود اسکله های خصوصی پاسداران و این واقعیت که قراردادهای کلان تجاری و اقتصادی از سوی دولت در اختیار آنها قرار گرفته نوعی افشاگری محسوب می شد. حالا نماینده خامنه ای در سپاه با صراحت از "ورود سپاه به عرصه فعالیت های اقتصادی" در حوزه "زیرساخت های اقتصادی کشور" و این که این ورود "نزدیک به دو دهه است ادامه دارد" تاکید می کند. البته او در باره فرودگاههای اختصاصی سپاه، اسکله های اختصاصی سپاه، سهم

اکنون که مقاومت توده ای توانسته تعادل کودتاچیان را در هم بریزد؛ رشته های شان را پنبه کند؛ نقشه های شوم شان را نقش بر آب سازد؛ و آن ها را به واکنش های عجیب و غریب وادارد، باید با در پیش گرفتن اشکال گوناگون مبارزاتی، دامنه فشار بر آن ها را افزایش داد. اکنون که سازماندهی تظاهرات توده ای و میلیونی گاه با دشواری هایی همراه می شود، باید عرصه های مبارزه را گسترده تر کرد و تداوم آن را تضمین نمود. می توان و باید روی درخواست های مشخص بخش های گوناگون جامعه متمرکز شد. وقتی خانواده های شهدای مقاومت ضد کودتایی برای گرفتن حق عزاداری آبرومندانه متحد شوند؛ وقتی خانواده های دستگیرشده گان برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی مبارزه کنند و همراهی و همدلی بخش وسیعی از مردم را بدست آورند؛ وقتی معلمان برای خواست های خود تجمع کنند؛ وقتی وکلاء برای آزادی هم کارانشان اعتراض کنند؛ وقتی هنرمندان و نویسندگان، علیه فشارهای گوناگون بر این فرزندان هنر و ادب کشور اعتراض کنند؛ وقتی پزشکان و پرستاران و کارکنان بیمارستان ها علیه جنایتی که در نحوه برخورد با زخمی های مبارزات مردمی صورت می گیرد، اعتراض کنند و دست به افشاگری بزنند؛ وقتی کارگران واحدهای گوناگون تولیدی و خدماتی برای رسیدن به خواست های برحق شان دست به اعتراض و اعتصاب بزنند؛ وقتی کارکنان سیستم خدمات حمل و نقل شهری و بین شهری و هوایی و دریایی برای رسیدن به خواست هایشان و در اعتراض به عدم رعایت سیستم های ایمنی حمل و نقل، دست به اعتراض بزنند و گاه دست از کار بکشند؛ وقتی دانش آموزان و دانشجویان در همبستگی با جنبش مردمی گردهم آیند و فریاد اعتراضشان را بلند کنند؛ وقتی مردم زحمتکش خلق های تحت ستم در اعتراض به اعدام فرزندانشان مغازه هایشان را ببندند و به اشکال گوناگون به این جنایات اعتراض کنند؛ وقتی جنبش زنان نسبت به دستگیری فعالان این جنبش قاطعانه اعتراض کنند، و... آتش مبارزه و مقاومت مردمی، از هر گوشه این کشور پهناور، شعله ور خواهد شد. این شعله های به ظاهر پراکنده، آتش بزرگی حول محوری ترین خواست همگان، یعنی حق تعیین سرنوشت خود که بدون رسیدن به خواست جدایی دین از دولت نمی تواند معنای واقعی داشته باشد، را ایجاد خواهد کرد و کودتاچیان را به محاصره در خواهد آورد. آن وقت است که هیچ نیرویی توان خاموش کردن این شعله های آتش خشم و نفرت مردم را نخواهد داشت. تنها در این صورت است که می توان قدرت تخریب و خشونت کودتاچیان را در هم شکست و راه را برای فردای روشن آزادی و برابری هموار کرد. ششم مرداد ۱۳۸۸- ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۹

.....

* پیوندها *

سرمدبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.

اختصاصی سپاه در قاچاق کالا و نابودی اقتصادی ملی و درهم شکستن تولید و خانه خراب مردم و فجاجی پروژه ها و حیف و میل و غارت پاسداران چیزی نمی گوید.

نماینده خامنه ای، سپاه را هم یک تشکیلات نظامی می داند، هم یک نهاد امنیتی، هم یک تشکیلات عظیم اقتصادی، که در عین حال "فعالیت های سایبری در جهت مقابله با استحاله فرهنگی" نیز انجام می دهد، یعنی در بستن سایت ها و فیلترینگ و اعمال سانسور، و کشاندن وبلاگ نویسان به زیر شکنجه، و مقابله با ابتدایی ترین آزادی های مدنی زنان و جوانان، آزادی عقیده و وجدان و مذهب، نشر و فیلم هم مداخله می کند.

علاوه بر همه این ها در مورد دخالت در انتخابات هم نماینده خامنه ای، اشاره دائمی جناح رقیب به جمله "میزان رای ملت" است را با استناد به این که میزان رای ولی فقیه حاکم است و هر نظری به جز این شرک است رد می کند و بر اساس همین "میزان" حکم خمینی در مورد عدم مداخله پاسداران در انتخابات و مشاجرات جناحی را هم عملاً رد می کند و می گوید: "شرایط زمانی و مکانی آن (حکم باید) مد نظر قرار گیرد چرا که ممکن است يك مطلبی در زمان خاصی مقتضیات لازم را داشته باشد و در زمان دیگر نداشته باشد." و شرح می دهد که در زمان خمینی چون احزاب مختلف در درون سپاه بودند، خمینی می خواست پاسداران در سیاست وارد نشوند تا شقه شقه نشوند، ولی در حال حاضر پاسداران باید "متعلق به اصل نظام بوده و باید مجموعه ای واحد و منسجم و یکپارچه به فرامین و دستورات ولی فقیه زمان باشد". به عبارت دیگر نماینده خامنه ای شرکت پاسداران در سیاست و مداخله آنها در انتخابات را در چهارچوب "تبیین معیارهای رهبری" و "خودداری از ورود به مصداق" تایید می کند؛ یعنی می پذیرد که پاسداران از طریق کشیدن عکس مار و نیردن اسم مار! هم در سیاست و هم در انتخابات دخالت می کنند.

سعیدی سپس به ستایش از نقش سپاه در سرکوب اعتراضات مردم می پردازد و با اشاره به نقش جنایتکارانه پاسداران در سرکوب شورش ۱۸ تیر در مورد اعتراضات کنونی نیز با رضایت می گوید که پاسداران: "برای حمایت از ستون فقرات نظام و ولی فقیه و ایستادگی در برابر اغتشاشات خوب پاسخ دادند."

راست این است که بدون تایید نماینده ولایت فقیه هم نقش سپاه پاسداران در قدرت و عروج آنها بیش از پیش روشن است. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی ناپهنگام و متناقض از همان ابتدای به قدرت رسیدن به زور و سرنیزه تکیه داشت و سپاه و بسیج هم بازوی نظامی آن برای درهم کوبیدن مخالفانش بود. در زمان خمینی و بویژه پس از دوره اولیه تثبیت رژیم و سرکوب اپوزیسیون خارج از رژیم، جایگاه ویژه خمینی و اقتدار او از حدت تناقض میان ماهیت ولایتی رژیم و روکش جمهوری که برای استتار این هیولا به سر کشیده بودند می کاست. همین موضوع بستر شکل گیری و بقا نوعی پلورالیسم محدود میان گروه بندی های حکومتی بود. با مرگ خمینی و آغاز جلوس خامنه ای بر اریکه قدرت، اولین گام در محدود کردن این پلورالیسم با "اصلاح" قانون اساسی و تبدیل ولایت فقیه به ولایت مطلقه فقیه برداشته شد. هر چه ولی فقیه جدید در میدان ناسازگاری های ذاتی میان مقتضیات یک سرمایه داری متعارف در جامعه ای با شهرنشینی پیشرفته و شکل عقیده و واپس مانده ولایت مطلقه فقیه بیشتر فرو رفت و هر چه فشارهای خارجی و ناپسامانی امور داخلی و هرج و مرج و بیدادگری و فساد و فروپاشی زیرساختی اقتصادی و بحران اجتماعی عمیق تر و دامنه دار تر شد و موجودیت رژیم را در مخاطره بیشتر قرار داد. حلقه یاران ولایت مطلقه هم محدودتر و اتکای آن به نظامیان و پاسداران و متعاقب آن نقش آنها در قدرت سیاسی نیز بیشتر شد. سوم تیر و روی کار آمدن دولت امنیتی و نظامی پاسداران اولین خیز مهم آنها برای قبضه کامل قدرت و حذف جناح رقیب از مصادر قدرت دولتی بود که چهار سال نبرد فرسایشی برای حذف و تصفیه جناح رقیب مویب آن است. کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد قرار بود نقطه عطف جدیدی در مسیر تکمیل قدرت پاسداران و نظامیان باشد؛ ته مانده پلورالیسم درون حکومتی برچیده شود و ردای عاریه ای جمهوریت که از همان آغاز نیز بر تن این نظام زار می زد و همواره وصله ای ناچور بود، با سروصدای فراوان و با "ماتور اقتدار" و قدرت نمایی پاسداران در خیابان ها حذف گردد و تازه این همه با حضور ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات مهر تایید هم بگیرد.

روایت نماینده خامنه ای از نقش سپاه بعد از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد را مردم ایران در صدها فیلم و عکس و گزارش دیده اند. آنها صبح در کارخانه های غضب شده از طریق زور و رانت حکومتی به عنوان رییس کارخانه دمار از گردنه کارگران می کشند، بعد از ظهر با "لباس شخصی" در خیابان ها جوانان مردم را به گلوله می بندند، شب ها با لباس رسمی

پاسداری در شکنجه گاههای خصوصی "موازی" دستگیرشدگان را شکنجه می کنند و زیر شکنجه به قتل می رسانند و همزمان سعی می کنند اخبار و گزارش های این جنایات را از طریق نظارت بر فیلترینگ سایت ها و تلاش برای تحت کنترل گرفتن فضای سایبر پنهان کنند.

رژیم ولایتی پس از کودتای ۲۲ خرداد اگر که تثبیت شود، یک "پیشوا" و عده ای آدمکش اجیر شده با پول نفت است که کار و عمل شان بیش از هر زمان دیگر به پیراهن سیاهان موسولینی و اس اس های نازی شباهت می یابد؛ نظامیاتی که با مشت آهنین بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست، فرمان می رانند و هیچ صدایی را بر نمی تابند و همه چیز را غارت می کنند و هر مخالفتی را سرکوب می کنند.

دستگاه ولایتی و مزدوران نظامی و امنیتی این دستگاه اما کور خوانده اند. با سر نیزه می توان چند صباحی حکومت کرد، اما بر آن نمی توان تکیه کرد. در برابر آنان هیچ فرجامی جز شکست و رسوایی وجود ندارد.

۶ مرداد ۱۳۸۸

آیا تعطیلی کهریزک و قربانی نمودن احتمالی چند مزدور رژیم، دستگاه ولایت را از آتش خشم مردم حق طلب نجات خواهد داد؟

احمد نوین

خیزش مظلومانه اخیر مردم ایران در اعتراض به نظام ولایت فقیه و سرکوب وحشیانه آنان و به ویژه جوانان که بدن هایشان بوسیله گلوله های مزدوران رژیم سوراخ، سوراخ میشود و فاش شدن وجود یک سازمان امنیتی موازی دیگر توسط آخوند علی سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران، که علاوه بر ارگان های سابق، سرکوب های اخیر را سازمان میدهد، آتچنان فضای ملتهب کشور را آکنده از خشم و نفرت به دستگاه ولایتی نموده است که، آشکار و پنهان، کسانی از وابستگان به جمهوری اسلامی ایران از ترس آنکه آتش جنبش اعتراضی مردم و بویژه خانواده های اسرای جنبش اعتراضی مردم ایران، در این روزهای آکنده از درد و دریغ و مصیبت، دامن آلوده آنان را به آتش بکشاند، احتمالاً عاقبت اندیشانه، عکس العمل نشان میدهند. از جمله علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، اظهار داشته است که تعطیل کهریزک [یکی از زندان ها شکنجه گاه های قرون وسطانی رژیم | کافی نیست.

او ضمن انتقاد از مسنولان! و اینکه کار را به اینجا رسانیده اند! خواسته است که رعایت حقوق مردم، نهادینه شود. او خواهان شناسایی و معرفی افراد مقصر در مرگ زندانیان حوادث اخیر مانند حسن روح الامینی شده است. [حسن، که دانشجوی ۲۵ ساله رشته کامپیوتر دانشکده فنی دانشگاه تهران بود و روز ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ در حوالی میدان انقلاب تهران حین تظاهرات علیه دولت کودتایی احمدی نژاد، توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر می شود و سپس توسط ماموران "سازمان امنیتی موازی" در زندان بقتل میرسد.]

علی مطهری برای تاکید بر جدیت اش در " رعایت حقوق مردم " اضافه نموده است که؛ اگر صرفاً به تعطیلی یک بازداشتگاه بسنده شود، مجدداً افراد مزبور به کار خودشان در جاهای دیگر ادامه می دهند و چیزی عوض نمی شود.

علی مطهری که مکرراً بر وفاداری خویش و دفاع از رهبر خونریز نظام علی خامنه ای تاکید نموده است، توضیح نداد که با توجه به نقش قدرتی ولی فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و در عمل و ایراد اتهام به مردم معترض بعنوان عوامل " مزدور دشمن" و وابسته به قدرت های خارجی از جانب علی خامنه ای، چگونه در نظام ولایت فقیه خواهان "رعایت حقوق مردم" شده است.

ایفای نقش علی مطهری در این مقطع، یادآور اظهار نظرهای برخی از نمایندگان "مجلس شورای ملی" در اواخر دوران حکومت خاندان پهلوی است.

آیا در زمانی که هر روزه بیکرهای مثله شده جوانان جان باخته ای که سینه هایشان بوسیله دشنه ها و گلوله های مزدوران ولایت فقیه شکافته شده است، به مادران داغدار تحویل میشود که صدای شیون آنان آسمان را بلرزه انداخته و دیوار سانسور نظام را درهم شکسته و بگوش مردم آزادخواه و برابری طلب جهان رسیده است، تلاش های مردم فریبناخیز خائفان دربار ولایت، راه به جانی خواهد برد؟

پاسخ مردم حق طلب به این فریب کاری ها در آینده، عبرت انگیز خواهد بود.

* دیدگاه *

جنبش مردمی و جناح‌های مختلف حکومت

علیرضا تقفی خراسانی

جنبش اجتماعی مردم ایران که این روزها مرحله‌ی حساسی را می‌گذراند در سی سال اخیر با افت و خیزهای فراوانی روبرو بوده است. این حرکت مردم که نمی‌توان آن را از مبارزات سی سال گذشته جدا کرد، در ابعاد مختلف همان خواسته‌های سی ساله گذشته را دنبال می‌کند. خواسته‌هایی که نه تنها هیچگاه بر آورده نشده بلکه در مبارزات مختلف بخش‌های گوناگون جامعه همواره مطرح شده و به شدیدترین وجه از جانب سرکوبگران با آن برخورد شده است.

در برخی مقالات و نوشته‌های تحلیل‌گران چپ در غرب (کسانی که روشنفکران و چپ‌های ایرانی داخل کشور انتظار همراهی و همفکری از آنان را دارند) آنچه که در روزهای پس از انتخابات در ایران رخ داده با عنوان "انقلاب رنگین" خوانده می‌شود و گاه از شکست آن ابراز شادمانی می‌کنند و پیروزی یک جناح را تبریک می‌گویند، شاید به این دلیل که تبلیغات ضدامریکایی دولت ایران تنها چیزهایی است که در مطبوعات و رسانه‌های غربی منتشر و منعکس شده است. در برخی از رسانه‌های غربی با چار و جنجال زیاد روی آن چه که پس از انتخابات در ایران رخ داده مانور داده می‌شود و کسانی که هیچ آشنایی با خواسته‌های مردم ما ندارند به نوعی خود را همراه با آن نشان می‌دهند که گویا برنامه‌ریزان این حرکت هستند. در دوران حاکمیت رسانه‌ها و چار و جنجال‌های تبلیغاتی، این درهم ریختگی و اغتشاش اخبار و مواضع، بسیاری نظرات عوض می‌شود و به نظر می‌رسد این مساله هدفمند باشد. جالب است که دو طیف فکری مختلف حرکت مردم را مخملین می‌نامند، هر دو این طیف‌ها تنها ظاهر مساله را مشاهده می‌کنند و به باور مردم، کسانی که امروز دم از انقلاب مخملین و رنگی می‌زنند و جنبش اجتماعی ما را با آن مقایسه می‌کنند چه از جانب چپ و چه از جانب راست شناخت درستی از این جنبش ندارند.

دلایل و مدارک فراوانی وجود دارد که در سی سال گذشته همواره دولت‌های حاکم در ایران مورد حمایت آمریکا و متحدانش و بطور کلی نظام حاکم در غرب بوده‌اند و تا کنون چالش جدی در بین آنان صورت نگرفته است و آنچه شاهدش هستیم (شعارهای مرگ بر آمریکا و نابود باد اسرائیل و دیگر شعارهای ضد غربی و یا حملات دولت آمریکا به ایران ...) تنها بازی موش گریه‌ای است که برای منحرف کردن افکار عمومی طراحی شده است و آنچه که تعیین کننده‌ی سیاست‌هاست، سودهای کلان اقتصادی است...*

برای این باور مستندات بسیاری می‌توان ارائه کرد. یک ضرب‌المثل فارسی وجود دارد: "دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس" در طی این سی سال آنقدر دم خروس از قبای رویاه بیرون زده که قابل انکار نیست و انکار آن تنها از حکومت‌های سرمایه‌دار غربی و حکومت ایران برمی‌آید. این موش و گریه بازی سود کلانی برای شرکت‌های سرمایه‌داری در بر دارد. زیرا دولت‌های کشورهای سرمایه‌داری بزرگ مانند آمریکا و اروپا و روسیه و دیگران، با تبلیغ بر روی مسابلی مثل پرورده‌ی سلمان رشدی، حقوق بشر، و یا پرورده‌ی هسته‌ای در ایران و فشار آوردن روی دولت می‌توانند قراردادهایی با سودهای افسانه‌ای ببندند و امتیازاتی شبیه قراردادهای ترکمانچای و دوره قاجار را از دولت ایران بگیرند. کما اینکه در این سال‌ها این کار را کرده‌اند.

در این فضا (مخصوصا با وجود تحریم) بخش بزرگی از معاملات قاچاق انجام شده و می‌شود که سودهای آن را نمی‌توان با سودهای معاملات رسمی مقایسه کرد. (برای هر دو طرف معامله و دلالت این معاملات که معمولا آفازدها هستند.) به عنوان مثال ایران سومین وارد کننده ی سیگار از امریکاست، البته نه به صورت رسمی و یا خرید سلاح و قطعات مورد نیاز موشک‌ها و هواپیماهای جنگی و... (۱)

برای روشن‌تر شدن این مساله موضوع را از آغاز مرور می‌کنیم. از ابتدا، روی کار آمدن حکومت اسلامی مورد توافق چهار کشور صنعتی (آمریکا انگلیس فرانسه، آلمان) در کنفرانس گوادلوپ قرار گرفت و در همان زمان بود که انقلاب مردم ایران در توافق میان بنیادگرایان و غرب به مسیری خاص هدایت شده و سازش بزرگ صورت گرفت. (۲) هدف نامه‌های رد و بدل شده در آن زمان میان رهبران مذهبی و غرب و حمایت آشکار محافل غربی از رهبران مذهبی در ایران روشن است. سیاست‌های آن دوران مثل ایجاد کمر بند سبز به دور شوروی سابق و ایجاد قطب‌های مذهبی برای شکست اردوگاه شرق

و... در مطالب دولتمردان آن زمان به صراحت گفته می‌شد. این مطلب آنقدر آشکار است که کسی را یارای انکار آن نیست و هرکس دستی در اخبار و رسانه‌ها دارد می‌تواند مدارک آنرا به وضوح مشاهده کند.

پس از آن گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی بود که بسیار در باره آن صحبت شده است و مطابق با اسناد آن زمان هدف اصلی آن انحراف مبارزات مردم برای استقلال از آمریکا و کل نظام سرمایه‌داری جهانی بود. در این راستا پس از سرکوب نیروهای مستقل داخلی، گروگان‌ها به دولت محافظه‌کار ریگان تحویل شد. آقای ریگان در جلوی دوربین‌های پرنور رسانه‌ها اعلام کرد که بهترین هدیه‌ی ریاست جمهوری‌اش را از رهبری ایران دریافت کرده‌است. در این زمان اسارت‌بارترین قراردادهای (قرارداد الجزایر که نخست وزیر وقت و معاون او در بستن این قرارداد مشارکت داشتند) برای تحویل این گروگان‌ها از جانب بنیادگرایان مورد قبول قرار گرفت که حتی رییس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) در مخالفت با بنیادگرایان، آن را قرارداد وثوق الدوله نامید.

پس از آن جریان ایران کنترا و مسافرت‌های محرمانه مک فارلین معاون ریاست جمهوری آمریکا به ایران پیش آمد که گزارش‌های آن به تفصیل در شرح کمیسیون تاور آمده است و نتیجه آن افشای رابطه‌ی پنهانی فروش اسلحه از طریق منابع غیررسمی به دولت ایران به مدت ۵ سال بود. درآمد حاصل از این معاملات به حساب نیروهای سرکوبگر در آمریکا لاتین واریز شد. کم کم روشن شد که ایالات متحده حداقل ۲۰۰۸ موشک تاو و ۲۳۵ موشک هاوک به ایران فروخته است. همچنین مشخص شد قسمت اعظم محموله‌های ایالات متحده را اسرائیل فراهم کرده است. (۳)

پس از آن ماجرای سال ۶۷ (۱۹۸۸) یعنی قتل عام زندانیان سیاسی در سکوت کامل آمریکا و غرب صورت گرفت و در آن زمان یک پرونده‌ی رسمی در مجامع بین‌المللی برای این نسل‌کشی تشکیل نشد در حالی که در همان زمان دولت لیبی برای سرنگون کردن یک هواپیما با ۲۰۰ مسافر به دادگاه‌های بین‌المللی کشیده می‌شود مگر جان انسان با انسان فرق دارد؟ تنها فرق آن می‌تواند این مساله باشد که قتل‌عام شدگان سال ۱۹۸۸ در ایران از نظر سیاسی محفل سلطه آمریکا و غرب بوده‌اند.

پس ارزش مطرح کردن ندارند!! (۴) بعد از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ حکومت ایران جایزه‌اش را با سرازیر شدن وام‌های مختلف دریافت کرد و بر طبق آمار رسمی در ظرف سه سال نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار از منابع مختلف غربی وام دریافت کرد و به اصطلاح دوران سازندگی را گذراند. این وام‌ها به دولت ایران اجازه داد تا مخالفان خود را در اقصی نقاط جهان به قتل برساند که نمونه‌های آن را در میکونوس و موارد دیگر که به گفته منابع مستقل بیش از ۲۰۰ مورد در خارج از کشور بوده است مشاهده کردیم.

قتل دکتر قاسملو، بختیار، کاظم رجوی، فرخزاد و صدها قتل داخلی نظیر فروهرها، مختاری و پوپنده‌ها در زیر چشم به هم زده و خواب‌زده‌ی غربی‌ها صورت گرفت. جالب است بدانیم که در هر یک از این دوران‌ها یکی از جناح‌های درگیر امروزی قدرت برتر بودند.

پس از افشای این اعمال غرب به حمایت از اصلاح‌طلبان و اصلاحات سیاسی در ایران روی آورد و با دولت اصلاحات وارد معامله شد قراردادهای کلانی مانند توتال، رویال داچ شل در حوزه‌های نفت و گاز در این دوره بسته شد و امتیازات بزرگی همانند کرسنت، ایراسل و غیره به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی واگذار شد و شرکت‌های بزرگی همانند هالیبرتون (متعلق به دیک جینی و کاندولیزاریس) در ایران فعال شدند. در این دوره ظاهرا اصلاح‌طلبی، درحقیقت پشت پرده، نهادهای سرکوب بازسازی شد که امروز نتایج آن را می‌بینیم. سکوت همان غربی‌ها در سرکوب ۱۸ تیر ۸۷ و سکوت در برابر انواع شکنجه و تجاوز به دستگیرشدگان - زیرا در آن زمان آمریکا هم از همین روش‌ها در گوانتانامو و دیگر جاها استفاده می‌کرد. و ضمنا با دولت اصلاحات به بده بستان‌های مختلف در عراق و افغانستان و خاورمیانه و شبه‌جزیره بالکان مشغول بود - انطباق روش‌های غرب با روش‌های حکومت ایران در این دوره بیانگر نبودن اختلاف جدی میان آنهاست.

درباره این همکاری‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
۱- همکاری آمریکا و ایران در شبه‌جزیره بالکان و تکه پاره کردن یوگسلاوی سابق یکی از درخشان‌ترین همکاری‌ها میان بنیادگرایی اسلامی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه غرب است. در این زمینه همکاری‌های دوطرف در چند پاره کردن یوگسلاوی سابق و قراردادهای دوجانبه هم‌زمان با اوج قتل مخالفان حکومت ایران در سراسر جهان بود.

با شروع جنگ در یوگوسلاوی سابق محمد رضا نقدی در رأس گردانی از پاسداران سپاه قدس به بوسنی و هرزگوین اعزام شد و تا پایان بحران در آن منطقه یکی از سه فرمانده ارشد نظامی سپاه پاسداران در بوسنی بود. در همین زمان امریکا و ناتو یک پوشش هوایی برای خنثی کردن نیروی هوایی یوگوسلاوی برقرار کرده بودند تا نیروهای مجاهدین و کمک های ایران به بوسنی برسد.

رسیم دلچ در جریان جنگهای بالکان فرماندهی داوطلبان اعزامی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوسنی هرزگوین را نیز برعهده داشت. داوطلبان ایرانی که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوسنی اعزام شده بودند، تحت فرماندهی همین نظامی مسلمان بوسنیایی عمل می کردند. اگر چه فرماندهی پایگاه به عهده افسران سپاه پاسداران بود، ولیکن داوطلبان ایرانی در چارچوب بریگاد المجاهد عمل می کردند. این بریگاد در سال ۱۹۹۳ میلادی بیش از ۲ هزار داوطلب خارجی را در بر می گرفت و به گفته علی احمد، مجاهد افغانی که در حال حاضر در زندان زینتسا به سر می برد، از جمله مسوول قتل ۲۴ غیرنظامی کروات در روستای دلچ است. در سال ۱۹۹۳ میلادی همین بریگاد در اوراساج ده‌ها زندانی صربستبار را نیز به قتل رسانید و سرهای آنها را بعد از مرگ از بدن جدا کرد و درخیابان‌های این روستا به نمایش گذاشت.

رسیم دلچ، ژنرال ۵۶ ساله ارتش جمهوری بوسنی هرزگوین متهم به جنایات جنگی، پاکسازی قومی، و نسل‌کشی شده است. وی در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ میلادی، بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ فرماندهی سپاه المجاهد را برعهده داشت. از جمله اتهاماتی که ژنرال دلچ باید در لاهه به آنها پاسخ گوید تجاوز به ده‌ها زن و دختر صرب و کروات از سوی داوطلبان خارجی که تحت فرماندهی او عمل می‌کردند، است. رسیم دلچ در سال‌های اخیر با چند شرکت صادرات و واردات که توسط خاریس زیلاسیچ، مسوول سابق سازمان امنیت بوسنی پایه گذاری شده اند و عمدتاً با جمهوری اسلامی دارای روابط بازرگانی هستند، همکاری داشت.

۲- همکاری ایران و امریکا در روی کار آوردن حکومت کزای در افغانستان

کنفرانس آلمان برای افغانستان پس از طالبان آغازی برای هماهنگی میان ایران و غرب درباره افغانستان پس از طالبان بود. این همکاری در تمام دوران حاکمیت شوروی سابق ادامه داشت و ایران همگام با غرب در تقویت و تسلیح مجاهدین افغان مشارکت فعال داشت. کمک‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی ایران به مجاهدین افغان و آموزش‌های نظامی به آنان در طول دوران مبارزانشان آنقدر متنوع و فراوان است که نیازی به ذکر تک تک آنها نیست.

همکاری دو طرف در مورد افغانستان در شرایط کنونی با شرکت نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس افغانستان در لاهه ادامه یافته است. در کنار خبرهایی چون احتمال همکاری جمهوری اسلامی با ناتو و با خبرهایی که اخیراً در زمینه مذاکرات رژیم اسلامی با نمایندگان شرکت‌های خصوصی آلمانی در رابطه با استفاده از خاک ایران به منظور ارسال تجهیزات و ادوات غیرنظامی برای نیروهای آلمانی مستقر در افغانستان انتشار یافته، همچنین پیام اوپاما به عنوان نمونه‌هایی از چرخش در شکل پیشروی سیاست آمریکا در قبال ایران قابل ذکر است. (۵)

در ماه مارس خبری دهان به دهان می شد. به موجب این خبر دولت با ناتو و امریکا یک قرارداد محرمانه امضاء کرده که بموجب آن محموله های نظامی آنها از طریق خاک ایران به داخل افغانستان منتقل می شود. این قرار داد بدون اطلاع نمایندگان مجلس بسته شده و یگانه کسی که در جریان جزئیات آن قرار داشته منشی مخصوص رهبر، بوده است. از جمع نمایندگان مجلس نیز یگانه کسی که در جریان این قرارداد بوده رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس بوده است. روزنامه ساندی تایمز چاپ لندن در شماره یکشنبه ۲۹ مارس ۱۹۰۹ (نهم فروردین) نوشته است که ایران و امریکا اولین دور مذاکرات خود را در خصوص پایان جنگ در افغانستان برگزار کرده اند.

این روزنامه می‌نویسد دیپلمات‌های ایرانی و آمریکایی ۲۷ مارس در مسکو در کنار یک دیپلمات بریتانیایی، که نقش واسطه را میان آنها ایفا میکرد، و به ابتکار دولت روسیه، به گفتگو نشستند. پتریک مون رییس بخش آسیای مرکزی و جنوبی وزارت امور خارجه آمریکا و معاون وزیر امور خارجه ایران، در این مذاکرات شرکت داشتند. پس از اعتراض برخی نمایندگان مجلس به بی‌خبری مجلس از قراردادهای مهمی مانند این قرارداد، از طرف اعضای کمیسیون امنیت و سیاست

خارجی گفته شد که چون پاکستان گرفتار اوضاع نامساعد سیاسی شده، امریکایی ها برای عبور محموله‌های نظامی خود به افغانستان از طریق ایران امتیازهای مهمی به ایران دادند، اما هیچکس نکفت این امتیازها کدام بوده و به چه مقامی و در چه مذاکره ای داده شده است.

۳- همکاری ایران و امریکا در روی کار آوردن حکومت اسلامی در عراق بر طبق نظرسنجی‌های پس از اشغال، مردم عراق خواهان یک حکومت سکولار بودند. این نظرسنجی‌ها به وسیله مراکز معتبری همچون دانشگاه آکسفورد مورد تایید قرارگرفت. (۶) اما مذاکرات و توافق‌های ایران با امریکا به روی کارآمدن دولت نوری‌المالکی منجر شد و نیروهای سکولار از حکومت کنار گذارده شدند.

ایران و امریکا در باره ی عراق سه دوره مذاکره داشتند که در هر دوره ی آن مقامات بلند پایه ی نظامی و امنیتی دو طرف مشارکت داشتند. یکی از این مذاکرات درهفتم خرداد ۸۶ برگزار شده است که آسوشیتدپرس در ۲۷ اردیبهشت ۸۶ این خبر را به نقل از وزیر امور خارجه‌ی ایران در پاکستان اعلام کرد.

هر چند هر دو طرف در رسانه‌های عمومی یکدیگر را به کارشکنی در امنیت عراق متهم می‌کردند. اما همکاری دو طرف باعث روی کار آمدن وثبات دولت فعلی درعراق شد که همگان می‌دانند از دوستان نزدیک دولت ایران هستند و اغلب اعضای دولت فعلی کسانی بوده‌اند که سال‌ها در ایران زندگی کرده‌اند و هیچ دولتی در منطقه به اندازه‌ی ایران در عراق صاحب نفوذ نیست.

۴- در سه دهه‌ی اخیر ایران و امریکا با همراهی نظام جهانی سرمایه‌داری در سه مورد فوق برای روی کار آوردن حکومت‌های مذهبی همکاری نزدیکی داشته‌اند و در هر یک از موارد اگر همکاری غرب و ایران نبود روی کار آوردن این حکومت‌های مذهبی امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه نگهداری این کشورها برای گسترش سرمایه‌های بین‌المللی و آرامش برای آمادگی آنان جهت سرمایه‌گذاری فراهم نمی شد اما در همین دوران منافع اقتصادی در معامله با خود ایران فراموش نشده است.

در مورد معاملات اقتصادی کلان در طی این سال‌های اخیر علاوه بر خرید تسلیحات از منابع دست اول و دوم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* خبرگزاری فارس به نقل از مجیک سیتی گزارش داده است: شرکت نفتی هالیبرتون آمریکا علی‌رغم تحریم اقتصادی علیه ایران، ۴۰ میلیون دلار تجهیزات نفتی به این کشور فروخته است. پس از تصویب قانون تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، شرکت هالیبرتون برای این که بتواند در کشورهای تحت تحریم سرمایه‌گذاری کند، اقدام به تاسیس شعبه‌های خارجی کرد، چرا که قانون تحریم اقتصادی، سرمایه‌گذاری شعبه‌های خارجی شرکت‌های امریکایی را در کشورهای تحت تحریم منع نمی‌کند و ویلیام تامسون، بازرس نیویورک، شرکت هالیبرتون را به خاطر فعالیت در ایران مورد بازجویی قرار داد. ولی مسوولان شرکت هالیبرتون معتقدند، فعالیت‌های این شرکت در ایران منع قانونی نداشته است.

نایب رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت اورینتال کیش و دیگ چنی معاون رئیس جمهور امریکا، دو نفر اصلی زمینه‌ساز قرارداد هالیبرتون- اورینتال در ایران بودند. سفر چنی به ایران در سال ۷۹ که برای آماده سازی قراردادهای نفت و گاز در ایران صورت گرفت، تا مدتها محرمانه باقی ماند. اما اصل ماجرا از این جا شروع می شود که برنده شدن شرکت هالیبرتون در مناقصه حفاری پارس جنوبی به سال ۸۱ (۲۰۰۲) باز می‌گردد. قرارداد با ارزشی که برابر آن، این شرکت متعهد به حفر ۱۲ حلقه چاه در فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی گردید و قرار شد تا پایان سال ۸۵ و در مدت ۵۲ ماه، در دو بخش خاکی و دریایی، ایران به گاز دست یافته و ۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی و بیش از ۴۰۰ تن سولفور از آن استحصال نماید.

در این قرارداد البته هالیبرتون تنها نبود بلکه کنسرسيوم هالیبرتون- اورینتال، مشترکاً برنده مناقصه شده بودند. ماجرا از اینجا جالبتر می شد که هالیبرتون برای حفر هر چاه مبلغ ۲۳ میلیون دلار پیشنهاد داده و جمعاً خواستار دریافت ۲۸۲ میلیون دلار شده بود اما دولت وقت ایران که به عنوان کارفرما می بایست کمترین مبلغ پیشنهادی را بپذیرد، در قرارداد منعقد مبلغ ۳۶۰ میلیون دلار (۸۰ میلیون بیشتر از پیشنهاد شرکت امریکایی) به کنسرسيوم هالیبرتون- اورینتال بخشید!

(۷) * قرارداد مونتاز ۵۰۰۰ اتومبیل کرایسلر در زمانی که این شرکت در آستانه‌ی ورشکستگی است. در اخبار آمده است که: چندین معاون سپاه پاسداران با همراهی و همکاری چند دلال بین‌المللی در دویی برای

مذاکره جهت همکاری با شرکت بحران زده "کرایسلر" آمریکا که در حال ورشکستگی است به دویی آمده بودند. به همین دلیل فرودگاه و شهر دویی را برای ایرانی ها امنیتی کرده بودند. تا آنجا که اطلاع حاصل شده هیات نظامی ایران توانست با "کرایسلر" آمریکا به توافق اولیه برای خرید موتورهای شرکت کرایسلر دست یابد و این بزرگترین یاری ممکن در شرایط کنونی به کرایسلر در حال ورشکستگی آمریکا بود.

در این مذاکرات فرماندهان و کارشناسان اقتصادی سپاه تحت عنوان شرکت سایپا موافقت خود را با خرید ۵۵۰۰۰ اتومبیل کرایسلر جهت مونتاژ در ایران اعلام داشتند. واسطه های غیرایرانی این معامله چند دلال کویتی و اماراتی هستند. این هیات تحت پوشش همراهی با تیم فوتبال ایران به دویی سفر کرده بودند. گفته می شود؛ مدیرعامل سایپا که به دستور رییس جمهور به این سمت گمارده شد نیز در هیات مذاکره کننده با کرایسلر آمریکا حضور داشته است.

پیش از این هم وزیر صنایع و معادن در حاشیه ششمین نمایشگاه بین المللی صنعت خودرو در تهران، با اعلام امضای قرارداد تولید بنز در ایران گفت: بنز ۳۲۰ و ۲۴۰ از سال بعد به بازار عرضه خواهد شد، اما تولید آن بسیار محدود خواهد بود. که البته باز مثل همیشه در ابتدای افسای این اخبار، همه ی آنها تکذیب شد؟!

صحت از این قراردادها در زمانی است که آقای بوش در ۱۲ دسامبر پذیرفت که وامی به میزان ۴،۱۳ میلیارد دلار از محل طرح نجات سیستم بانکی به جنرال موتورز و کرایسلر بدهد. اینکار به این شرکت ها اجازه ادامه بقا می داد. این مذاکرات و معامله که عملاً کمک به کرایسلر آمریکا برای بیرون آمدن از بحران تولید است، با آن شعارهایی که فرماندهان سپاه و رییس جمهور در باره به زمین گرم خوردن آمریکا و ابراز خوشحالی از بحران و فروپاشی آمریکا خطاب به مردم می گویند در مغایرت کامل قرار دارد. (۸)

* بر طبق گزارش وال استریت ژورنال: «از آغاز ماه ژوئن امسال، ایران بیش از یک میلیون تن گندم از ایالات متحده آمریکا خریداری کرده که در نوع خود رقم بسیار بالایی محسوب می شود. این میزان گندم سه تا چهار درصد صادرات سالانه ی گندم آمریکا است، ضمناً آمار وزارت کشاورزی آمریکا نشان می دهد که آخرین خرید گندم ایران از آمریکا به سال ۱۹۸۲-۱۹۸۱ باز می گردد که در آن زمان ۷۲۸ هزار تن گندم به ایران صادر شد.

* فروش دستگاه های تولید پارازیت و فیلترینگ به دولت ایران توسط کشورهایی که در ظاهر دم از دموکراسی می زنند و برای قربانیان ایرانی در این روزها سینه چاک می کنند. مساله فیلترینگ سایتها و تجهیزاتی که جمهوری اسلامی از آمریکا و انگلیس خریده و اسرائیل نیز دستی در آن داشته، در یک میزگرد مطبوعاتی در تهران بررسی شد. در این میزگرد، مدیرعامل شرکت دینای مخابرات گفت: در سالهای گذشته شرکت مخابرات بیش از ۷ میلیارد تومان برای اجرای فیلترینگ هزینه کرده است. همچنین، دبیر انجمن صنفی کارفرمایان شبکه های اینترنتی، در باره خریدار این نرم افزارها گفت: نرم افزار و سخت افزار آمریکایی مورد استفاده برای فیلترینگ در شرکت مخابرات ایران، با برگزاری یک مناقصه داخلی که شرکت عصر دانش افزار بعنوان برنده آن اعلام شد، از یک شرکت انگلیسی خریداری شده است. (۹)

* در اوایل اردیبهشت ماه شرکت کارگزاری وال استریت که برای یکی از صندوق های بازتستگی آمریکا کار می کند در نامه ارسالی خود به وزارت اقتصاد همچنین تقاضا کرده است حدود مالکیت و دیگر قوانین پذیرش سرمایه گذاری خارجی در بورس تهران به آنها اعلام شود. (۱۰)

* دو غول بانکداری آمریکا؛ سیتی بانک و گلدمن سانش هم خواهان حضور در ایران شده بودند. سیتی بانک متعلق به سیتی گروپ دومین بانک بزرگ آمریکاست که ۵ درصد سهام آن متعلق به یک شاهزاده سعودی است و ظاهراً وی نیز واسطه مذاکره این بانک با بانک مرکزی شده است. گلدمن سانش نیز یکی از غول های وال استریت در زمینه سرمایه گذاری است و رابرت زولیک، رییس فعلی بانک جهانی قبلاً رییس این موسسه بوده است.

* چندی پیش نیز تماس ایران با سازمان پیمان اتلانتیک شمالی - ناتو- پس از سی سال مجدداً برقرار شد و نمایندگان دو طرف در خصوص قاچاق مواد مخدر و مشکل پناهندگان افغان مذاکره کردند. باراک اوباما در استراتژی جدید خود برای بازگرداندن ثبات به افغانستان پیشنهاد تشکیل یک گروه تماس منطقه ای را ارائه کرده است که شامل ایران نیز می شود. به نوشته ساندى تايمز، هدف نهایی اوباما استفاده از این

مذاکرات برای متقاعد کردن ایران به گفت و گو برای پایان دادن برنامه تحقیقات اتمی آن کشور است.

در ماجرای ایران کنتررا به خرید اسلحه از اسرائیل اشاره شد. رابطه ی اقتصادی ایران با اسرائیل یا اسرائیل با ایران تنها به این گونه معاملات پنهان محدود نشده است. برای روشن شدن مطلب به موارد زیر نیز اشاره می کنیم:

- شرکت نستله یکی از شرکتهایی است که اسناد ارتباط آن با اسرائیل و محافل صهیونیستی توسط برخی جناح های حاکمیت افشا شده است. شرکت نستله در ۱۰۰ کشور جهان ۳۵۰ شعبه دارد که ایران نیز از آن جمله است و به دلیل ارتباط وسیع اقتصادی با اسرائیل، در نقاط مختلف جهان این شرکت توسط گروه های مختلف، تحریم شده است. محصولات تولیدی شرکت نستله در ایران عبارتند: ۱-غذای کودک سرلاک ۲- آب معدنی آنهیتا تحت پوشش شرکت آنهیتا پلور محصولات وارداتی شرکت نستله در ایران: ۱- قهوه فوری نسکافه ۲- شیرخشک کافی میت ۳- پودر گوشت مگی ۴- شیرخشک نان ۵- انواع شکلات از قبیل کیت کت و اسمارتیز ۶ -غذای حیوانات خانگی فریسی (واردات توسط شرکت پارس پوران). (۱۱)

- شرکت کوکا کولا: این شرکت نیز به داشتن رابطه نزدیک با اسرائیل مشهور است. طرف قرارداد این شرکت شرکت خوشگوار مشهد و آستان قدس رضوی است. (۱۲)

به گزارش خبرنگار مهر به نقل از تایمز، "دانا بولدن" یکی از مدیران شرکت کوکاکولا گفتند: این شرکت از اداره کنترل دارایی های خارجی آمریکا مجوز فروش کنسانتره نوشابه به ایران را گرفته است..... بولدن همچنین در واکنش به خبر مجمع مطالبه مردمی مشهد درباره انتقال سالانه ۱۵۰ هزار دلار از طریق یک شرکت ایرلندی به کوکاکولا نیز گفت: به دلایل خاصی من نمی توانم درباره کشورهایی که ما به آنها صادرات داریم و با روابط مالی داریم و در آنجا کوکاکولا تولید می کنیم اظهار نظر کنم. کوکاکولا که پس از انقلاب اسلامی از بازار ایران خارج شده بود از سال ۱۹۹۴ با امضای قرارداد فرانشیز با شرکتهایی از جمله خوشگوار مجدداً وارد بازار ایران شد که شرکتهای ایرانی از طریق یک شرکت ایرلندی به نام کوکاکولای اتلانتیک و بعدها از شرکت کنسانتره Drogheda شهد نوشابه کوکاکولا را دریافت می کردند. محصولات تولیدی شرکت خوشگوار تحت لیسانس شرکت کوکاکولای آمریکا در ایران:

۱- نوشابه کوکا کولا ۲- نوشابه فانتا ۳- نوشابه اسپریت محصولات تولیدی شرکت ساسان تحت لیسانس شرکت پیسی کولای آمریکا:

۱- نوشابه پیسی کولا ۲- نوشابه میراندا که بازار بزرگی در ایران و منطقه را تسخیر کرده است. (۱۳)

از این موارد در مورد کشورهای بزرگ سرمایه داری دیگر مانند فرانسه، انگلیس و آلمان و ... بسیار می توان مثال آورد، چرا که دولت ایران آن حساسیت آمریکا و اسرائیل را در مورد این کشورها ندارد. به مواردی چند اشاره می کنیم:

۱- بخش اعظم بنزین وارداتی ایران توسط شرکت ریلینس، شرکت فرانسوی توتال، شرکت های سویسی ویتول و گلنکور و شرکت بریتانیایی بریتیش پترولیوم تامین می شود. شرکت بیمه لویدز لندن بیمه کننده بیشتر محموله های بنزین صادراتی به ایران است. گفته می شود "بانک صادرات و واردات آمریکا" در سال های گذشته وام هایی را به ارزش تقریبی ۹۰۰ میلیون دلار در اختیار شرکت ریلینس قرار داده است. وام های مشابهی به شرکت ریلینس در سال مالی ۲۰۱۰ که در ماه اکتبر امسال آغاز خواهد شد، در همین رابطه وزیر خارجه آمریکا خاتم کلینتون در ۲۹ تیر در سفر به هند به این شرکت اطمینان داد که تحریم بنزین ایران فعلاً منتفی است. (۱۴)

حتماً به این دلیل که در اوج ناآرامی ها ماشین های نقل و انتقال نیروهای امنیتی نیاز مبرمی به سوخت دارند. مردم هم که با پای پیاده راهپیمایی می کنند و نیازی به سوخت ندارند !!!

۲- ایران خودرو به همراه مجموعه سایپا، انحصاری عینی بر بازار خودرو اعمال می کنند: سایپا ۳۵ درصد بازار و ایران خودرو ۵۵ درصد آنرا در اختیار دارد. پس از آزاد شدن واردات در این بخش، ایران خودرو با شرکتهای خارجی طرح همکاری مشترک ریخت: ۷۵۰ هزار اتومبیل در سال ۲۰۰۴، یک میلیون و صد هزار در سال ۲۰۰۶ و یک میلیون و دویست هزار در سال ۲۰۰۸ به فروش رفته است.

برای ایران خودرو این همکاری با قصد حفظ برتری‌اش در بازار و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید انجام گرفت که برای بالا بردن کیفیت محصولاتش و اشاعه بین‌المللی آنها ضروری است. گروه پژو-سیتروئن که از سال ۱۹۹۲ برای ساخت ۴۰۵ (که ۶۰ درصد آن در داخل تولید می‌شود) با ایران خودرو همکاری صنعتی داشت با امضای قراردادی در مارس ۲۰۰۱ گام جدیدی به جلو برداشت: توافقنامه برای مونتاژ اتومبیل‌های ۲۰۶ و ۳۰۷ با نقش محدود داخل در تولید آنها. شرکت رنو نیز برای مونتاژ لوگان (نام ایرانی آن تندر است) یک شرکت مشترک با دو غول صنایع اتومبیل ایران بوجود آورد. ۵۱ درصد سهام این شرکت که رنو پارس نام دارد متعلق به رنو است و ایران خودرو و

سایپا ۴۹ درصد آنرا مشترکاً در اختیار دارند. جالب آنجا است که صنایع نفت و گاز و اتومبیل که بیشترین سرمایه‌های آمریکا و اروپا در آنها مشغول به کار هستند، و سودهای کلانی هم از آنها می‌برند در بدترین شرایط به لحاظ نیروی کار قرار دارند و این طرفداران حقوق بشرکشورهای غربی تا کنون کمترین اعتراضی به شرایط استثمار و حبسیانه نیروی کار در این صنایع نکرده‌اند. از جمله آنکه طی بخش‌نامه‌های رسمی هر گونه تشکله کارگری در این صنایع، حتی انجمن اسلامی، ممنوع است. در حالیکه در سایر بخش‌ها انجمن اسلامی وابسته به کارفرما تشویق می‌شود، اما در این صنایع بدترین فشارها به کارگران وارد شده و کمترین اعتراضی در این بخش‌ها کافی است تا سروکار کارگران با نیروهای امنیتی باشد. در این واحدها نیروهای امنیتی تحت عنوان حراست دفتر و دستک رسمی وسیعی دارند. باید در نظر بگیریم که صنایع نفت و گاز و خودرو که در انحصار کامل سرمایه‌های غربی است بیش از ۹۰ درصد اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد و معلوم نیست اگر یک حکومت طرفدار کامل غرب در ایران بر سر کار بود دیگر چه کاری می‌توانست انجام دهد تا وفاداری خود را به غرب اثبات کند. در این زمینه‌ها هر دو جناح حاکم همیشه در وحدت کامل بوده و هستند.

۳- در ماه بهمن ۸۷ یکی از نمایندگان عضو حزب کارگر در مجلس عوام بریتانیا، طی جلسه علنی، که به پرسش و پاسخ دولت و نمایندگان، پیرامون مسایل داخلی و خارجی اختصاص دارد، با طرح موضوع جرمه فوق العاده سنگین بانک لوید تی اس پی انگلیس به اتهام پول‌شویی برای ایران، از گوردون براون نخست وزیر آن کشور در این مورد توضیح خواست. بانک لوید تی اس پی، با اعلام قبول اقدام به پول‌شویی برای ایران و در نتیجه نقض قوانین آمریکا و ندیده انگاشتن تحریم‌های بین‌المللی بانکی در این مورد، از پرداخت داوطلبانه یک جرمه ۳۵۰ میلیون دلاری به آمریکا خبر داده بود. مطابق این اقدام، اسناد و مدارک بانک یاد شده برای تحقیق بازرسان گشوده خواهد شد و در صورت اثبات این موضوع که بخشی از پول‌های شسته شده به منظور کمک به گروه‌های تروریست بمصرف رسیده است، آنگاه مدیران بانک در معرض محاکمه قانونی قرار خواهند گرفت!!

یعنی آنکه اصل پول‌شویی از جانب نمایندگان پارلمان دولت فحیمه برای ایران اشکال ندارد و دولتمردان ایران حق دارند دارایی‌های غارت شده از ایران را به دیار فحیمه بفرستند تنها نباید صرف فعالیت‌های تروریستی شود. که البته آنهم تعبیر خود را دارد و کشتن مخالفان را می‌شود نادیده گرفت.

بانک لوید تی اس پی که اخیراً از یک کمک بزرگ مالی دولت بریتانیا برای فرار از ورشکستگی بر خوردار شده، پذیرفته است که در انتقال ۳۰۰ میلیون دلار پول‌های ایران به آمریکا ایفای نقش کرده است. این پول‌ها، مطابق اطلاعات موجود، پس از تبدیل شدن به دلار آمریکا، به حساب موسسات صوری در نیویورک و ریز و از آن می‌دهد به مقصدهای دیگری در سراسر جهان انتقال یافته‌اند. گزارش‌ها همچنین حاکی است که بیش از ده بانک معتبر جهان در اجرای پول‌شویی برای ایران دست داشته و تا کنون موفق شده‌اند میلیاردها دلار از حواله‌های مالی متعلق به ایران را تبدیل و به حساب‌های مورد نظر واریز کنند.

۴- فروش سهام کارخانه‌ها و معادن ایران به شرکت‌های خارجی و چندملیتی. فروش ۶۱ درصد سهام مس ایران به سوئدی‌ها و معادن طلا به بریتانیا و...

۵- و اخیراً بازی موش و گربه در باره پرونده‌ی هسته‌ای و کشتار اخیر مردمی که در تظاهراتی آرام حقوق اولیه و آزادی‌های اجتماعی را خواستارند. هر چند در ظاهر ژست‌هایی برای محکوم کردن دولت ایران گرفته می‌شود اما در واقع هیچ اقدام جدی در این مورد صورت نگرفته است به عنوان مثال تنها مدت زمان صدور روادید به مقامات ایرانی را طولانی کرده‌اند.

در حالی که در هندوراس که مردم به گلوله بسته نشدند، تمام کشورهای اروپایی سفیران خود را از آن کشور خارج کردند اما در ایران بیش از ۱۵۰ نفر کشته شدند اما حتی یک کشور سرمایه‌داری هم سفیر خود را از ایران خارج نکرد و حتی برای سفرهای دیپلماتیک هم هیچ محدودیتی بوجود نیاوردند. علاوه بر آن حساب‌های متعدد مقامات ایرانی در این کشورها محفوظ است. پس مشخص می‌شود برای این دولت‌ها رفتار حاکمان با مردم و رعایت حقوق بشر دارای اهمیت چندانی نیست و چیز دیگری سیاست‌های جاری آنان را در رابطه با کشورهایی مانند ایران تعیین می‌کند. سوال اصلی اینجاست که این حکومت تا کنون چه ضرری برای دولت‌های سرمایه‌داری غرب داشته است؟

همکاری واقعی با مردم، خودداری از فروش کالاهایی است که برای سرکوب و سانسور مردم ایران به کار می‌رود نه کالاهایی که زندگی مردم عادی را آن چنان تحت فشار قرار می‌دهد که درکنار تورم افسارگسیخته امان از آنان می‌برد و همچنین قطع ارتباطات اقتصادی با دولت ایران و یا سفر مقامات به اصطلاح دیپلماتیک، بلوکه کردن حساب‌های میلیاردری حاکمان و ...

اما آیا سوده‌های کلان می‌گذارد که دولت‌های سرمایه‌داری چنین کنند؟ در این سال‌ها همواره حاکمان ایران چه اصلاح طلب و چه اصول‌گرا بی‌کم و کاست سیاست‌های WTO و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را اجرا کرده‌اند. و هزاران ایرانی در این مسیر صدمه بسیار دیده‌اند. واحدهای تولیدی بسیاری تعطیل شده و یا خصوصی‌سازی شده و سپس تعطیل گشته و ایران تبدیل به بازار مناسبی برای کالاهای کشورهای بزرگ سرمایه‌داری گشته است. صدها هزار نفر بیکار و آواره شده‌اند و میلیون‌ها نفر مجبور به ترک دیار شده تا نیرنی کار خود را ارزانتر در اختیار سرمایه‌های جهانی قرار دهند.

تمام این مسایل در سه دهه‌ی اخیر با همکاری هر دو جناح حکومت جمهوری اسلامی صورت گرفته است و بار تمام این اعمال بردوش مردم ما بوده است به گونه‌ای که تمام مردم این مسایل را با تمام وجود احساس کرده‌اند.

حرکت متضاد میان دو جناح که هر یک برای داشتن سهمی بیشتر با دیگری مبارزه می‌کنند نه تنها با این سابقه برای مردم ما تفاوت چندانی ندارد بلکه مساله اصلی شکستن آن ماشین سرکوبی است که در این سه دهه با این همکاری وسیع میان نظام سرمایه‌داری غرب با بنیادگرایی در منطقه ایجاد شده است. بنیادگرایی در منطقه به آن چنان اهرمی برای سرکوب مبارزات مردم منطقه تبدیل شده است که به راحتی نمی‌توان با آن مقابله کرد و این مساله را مردم ما درک می‌کنند.

آن گاه که مردم از تضاد بوجود آمده میان جناح‌های قدرت برای سهم بیشتر استفاده می‌کنند بدان خاطر است که در برابر قدرت منسجم و تقویت شده‌ی بنیادگرایی که یک ماشین سرکوب وسیع، بی‌رحم و خشن و بدون هیچ گونه محدودیتی بوجود آورده‌اند، تنها می‌توان به شکاف میان آن امید بست. و مردم از این شکاف برای بیان خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. بر خلاف بعضی تحلیل‌ها که یک جناح را نماینده‌ی کارگران و اقشار پایین جامعه و جناح دیگر را اقشار متوسط و یا نولیبرال می‌دانند، باید گفت که هیچ یک از این دو جناح چنین نمایندگی‌ها و چنین طرفدارانی ندارند. هنگامی می‌توان از نمایندگی و حمایت مردمی از یک جناح صحبت کرد که یک نهاد بی‌طرف بتواند آزادانه در این مورد تحقیق کند و یا آنکه حداقلی از آزادی‌های سیاسی وجود داشته باشد تا بتوان در آن اظهار نظر کرد. کسانی که چنین تحلیل‌هایی ارائه می‌دهند باید بگویند که امار و اطلاعات خود را با تکیه به کدام نهاد معتبر در داخل ارائه می‌دهند و یا آنکه آن حد اقل‌هایی که بتوان اظهار نظر کرد در کجا وجود دارد؟ آنچه در این زمینه جریان دارد یک بنیادگرایی مورد حمایت نظام سلطه‌ی جهانی است که در برابر مردم قرار دارد.

بسیاری که از دوردستی بر آتش دارند نمی‌دانند که مردم ما در سی سال گذشته با ارتجاع قدرتمندی مواجه بوده‌اند. ارتجاع قدرتمندی که از همکاری کل نظام سرمایه‌داری با یک سیستم قرون وسطایی سرکوب ناشی شده است. قتل‌عام‌ها و شیوه‌های شکنجه و سرکوب در ایران با هیچ یک از کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست.

اکنون مردم ایران با آن شرایط وحشتناک تنها راه اعتراض خود را در شکاف میان این حاکمیت وحشتناک یافته‌اند و این مساله‌ای است که متأسفانه عده‌ای به آن توجه ندارند. حاکمیت خاص در اینجا با هیچ یک از کشورهای امریکای لاتین و یا بلوک شرق قابل مقایسه نیست. با یک تظاهرات ساده‌ی اول ماه مه یا شدیدترین وجه برخورد شد، تجمع‌ات آرام مردم با گلوله پاسخ داده شد. حداقل ۲ زندانی دستگیر شده در ۱۸ تیر در زندان و به خاطر صدمات ناشی از رفتارهای خشن در زندان کشته شده

اند. خشونت به کار رفته از جانب پلیس در آن با هیچ کدام از خشونت های موجود در سی سال گذشته در کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. این همه درس‌هایی بوده که مردم ما در سی سال گذشته دریافته اند و اکنون از این شکاف بوجود آمده برای بیان خواسته‌های خود هوشمندانه استفاده می‌کنند. شعارهایی نظیر: "هاشمی حرف زنی خانگی" در حقیقت کشاندن بخشی از حاکمیت به چالش یا بخش دیگر است در حالی که مردم هر دو بخش را به خوبی می‌شناسند. این نشان از هوشیاری مردم است. آن کس که گمان می‌کند مردم دنباله‌رو یک جناح در مبارزه با جناح دیگر شده‌اند، بهتر است سری به خیابان‌ها بزند و با مردم صحبت کند و از ظن خود یار دیگران نشود. اما مردم ما به نیروی خودشان حقتان را می‌گیرند.

به همین جهت است که بسیاری از روشنفکرانی که در سال‌های اخیر مورد انواع آزارها قرار گرفته‌اند، اعتقاد بر آن دارند که در این اعتراضات باید شرکت کرد و آن را ارتقا داد. خواسته‌های اصلی مردم که همان برکناری ماشین سرکوب است را مطرح کرد. ماشین سرکوبی که شامل حداقل ۹ نوع پلیس است: بسیج، سپاه، نوپو، نیروی ویژه، نیروی انتظامی، پلیس امنیت، اطلاعات، اطلاعات سپاه، پلیس قضایی و ... برخورد‌های دوگانه و گاه چندگانه رسانه‌های نظام جهانی سر مایه داری با مبارزات مردم ما بیاتر آن است که آنان به هیچ وجه تمایل به رادیکالیزه شدن جنبش و گسترش خواسته‌های مردمی ندارند بلکه خواهان هدایت آن با راه‌های از پیش تعیین شده هستند.

وجه مشترک نیروهای واپس‌گرا از اصلاح‌طلب و محافظه‌کار تا نظام سرمایه‌داری جهانی آن است که تمام این سه وجه از رادیکالیزه شدن حرکت مردمی و بالا رفتن خواسته‌های آن وحشت دارند و با تمام وجود تلاش می‌کنند با سازش‌های خود جلو رادیکالیزه شدن جنبش را بگیرند. زیرا هم اینان و هم آنان می‌دانند در میان مردم ما جایی ندارند و خواسته‌های مردم فراتر از آن است که آنان بتوانند بر آورده کنند.

هر یک از سه وجه فوق، یعنی نظام سلطه‌ی جهانی، و دو وجه بنیادگرایی (محافظه‌کار و اصلاح‌طلب) سعی در جلوگیری از رادیکالیزه شدن خواسته‌های مردم منطقه به شیوه‌ی خود دارند. و از آنجا که نظام سلطه‌ی جهانی نیز یک دست نمی‌باشد، بخش‌های مختلف آن هر کدام با یکی از جناح‌های و در تقویت آن هم جهت حرکت می‌کنند. جناح‌های محافظه‌کار که هم چنان به شیوه‌ی چماق و سرکوب معتقد است، پاداش خود را با سکوت و یا اعتراضات کم رنگ نظام سلطه‌ی جهانی، همراه با قرار و مدارهای پنهانی دریافت می‌کند. جناح اصلاح‌طلب پشیمانی خود را بازار آزاد و رسانه‌های پرسروصدای غربی همراه با وعده‌های بهشت برین نظام سرمایه‌داری و آزادی‌های پرزرق و برق نظام سرمایه‌داری می‌داند. این جناح ممکن است در انتها حداکثر به برداشتن حجاب اجباری و آزادی چند خواننده و هنرپیشه‌ی هالیوودی خواسته‌های مردم را محدود کند و از تعرض به اصل نظام سودمحور با تمام توان جلوگیری خواهد کرد. زیرا اساساً تا کنون هیچ برنامه‌ی اقتصادی متفاوتی ارائه نداده است. نظام سلطه‌ی جهانی نیز از انتقال قدرت از یک جناح به جناح دیگر چندان متضرر نشده و چندان هم خوشحال نخواهد شد زیرا در هر دو صورت منافع او تامین است، بلکه میان جناح‌ها حرکت می‌کند یا بهتر بگوییم بازی می‌کند. رسانه‌های پر قدرت را در خدمت رنگی کردن و یا رنگی نشان دادن حرکت مردم قرار می‌دهد تا با در هم ریختن مفاهیم و مغشوش کردن مرز میان حرکت‌های رادیکال مردم و حرکت‌های رفرمیستی بتواند رادیکالیسم این جریان را گرفته و رهبری آن را به گونه‌ای هدایت کند که به اصل نظام سودمحور ضربه‌ای نخورد و هم چنان بتواند به قراردادهای پرآب و نان و سودهای افسانه‌ای امیدوار باشند.

امروز خواسته‌های واقعی مردم بپاخواسته استقلال و آزادی از این اتحاد نامقدس نظام سلطه‌ی جهانی با بنیادگرایی است که به قدرتی وحشتناک در سرکوب هر گونه ندای آزادی‌خواهی در ایران و منطقه تبدیل شده است. و نظام سلطه‌ی جهانی دریافته است که مافع اقتصادی و سیاسی او در وحدت با نوعی بنیادگرایی است که منافع او را تامین کند. تقویت و تثبیت حکومت‌هایی مانند ایران، عربستان، عراق، افغانستان، امارات، پاکستان و حتا ترکیه ضرورت تداوم سلطه‌ی سرمایه‌ی جهانی در منطقه است.

زیر نویس‌ها

* به گزارش بخش اخبار شرکت بازرگانی بین المللی آزاد (فیت)، به نقل از روابط عمومی گمرک ایران در ۱۵ دی ۱۳۸۷ و براساس گزارش‌های دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک، طی ۹ ماهه سال جاری صادرات ایالات متحده آمریکا به ایران با ۲۲۲،۳۸ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۴۱۳ میلیون و ۱۱۶ هزار دلار افزایش یافته و این کشور از این نظر در رتبه هیجدهم قرار دارد. سهم ایالات متحده آمریکا از کل واردات کشورمان در مدت یاد شده ۰،۹۷ درصد بود.

حالی که کشور انگلستان به لحاظ واردات در رتبه ششم و پس از سوئیس و جمهوری کره جای گرفته است. انگلستان در ۹ ماهه سال جاری به میزان یک میلیارد و ۵۷۸ میلیون و ۸۱۰ هزار دلار انواع کالا به ایران صادر کرد و ۳،۷۱ درصد از کل ارزش واردات کشورمان را به خود اختصاص داد. سهم چین از واردات کشورمان سه میلیارد و ۷۶۵ میلیون و ۹۸۳ هزار دلار به میزان ۸،۸۶ درصد و از کل صادرات یک میلیارد و ۴۹۲ میلیون و ۹۰ هزار دلار بود. آمارها حاکی از افزایش ۰۳/۶۵ درصدی صادرات ایران به چین در مدت یاد شده است در حالیکه واردات ایران از چین ۲۶،۴۷ درصد رشد یافته است. آلمان با اختصاص ۹،۷۶ درصد از ارزش کل واردات از این حیث در رتبه دوم قرار دارد اما از نظر صادرات با ۱،۵۸ درصد رتبه نوزدهم را به خود اختصاص داده است. سهم آلمان از واردات کشورمان چهار میلیارد و ۱۴۷ میلیون و ۷۷۸ هزار دلار و از صادرات ۲۲۰ میلیون و ۸۳۶ هزار دلار بود. در مدت یاد شده واردات ایران از آلمان ۵،۳۶ درصد افزایش داشته و این درحالی است که صادرات ایران به آلمان ۱۷،۷۰ درصد کاهش داشته است. امارات متحده عربی در ۹ ماهه امسال با اختصاص ۲۵،۱۰ درصد از واردات و ۱۲،۸۲ درصد صادرات بزرگترین شریک تجاری کشورمان بود. سهم این کشور از صادرات کشورمان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۶،۱۰ درصد و به لحاظ واردات ۴۰،۹۴ درصد افزایش یافته است. براساس گزارش‌های دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک با اینکه کشورهای آلمان، سوئیس، انگلستان، فرانسه و ایتالیا از نظر حجم واردات به ایران در میان ده کشور عمده قرار دارند اما از نظر صادرات کشورهای یاد شده در بین ده کشور عمده جایگاهی ندارند و تنها کشور بلژیک با اختصاص رتبه یازدهم نخستین کشور اروپایی محسوب می‌گردد که بیشترین میزان صادرات را به کشورمان داشته است.

۱- هر از چندگاهی اخبار این معاملات به رسانه‌ها درز می‌کند هر چند اول هر دو طرف آن را تکذیب می‌کنند اما بعد از مدتی ثابت شده است. در یکی از آخرین این گونه خبرها گفته می‌شود که در ژانویه ۲۰۰۷، حدود ۲۰۰ میلیون دلار از قطعات حساس، موشک‌های AIM-54C و رادارهای موجود در انبار نیروی دریایی ایالات متحده، از طریق قاچاقچیان بازار سیاه اسلحه، توسط ایران خریداری شده است که پرونده آن در دادگاه‌های آمریکا مفتوح است. تا کنون و در طی سال‌های گذشته ده‌ها نفر به اتهام نقض قوانین تحریم ایران و انتقال غیر قانونی تجهیزات نظامی به ایران تحت پیگرد قرار گرفته و یا محکوم شده‌اند.

۲- کنفرانس گودلویپ در ۱۴ دی ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد و پس از آن تماس با مقامات مذهبی ایران آغاز شد (روزنامه اطلاعات ۱۶ دیماه ۱۳۵۷)

۳- دو دلال خصوصی اسلحه در این میان نقش داشتند: یک فرد سعودی به نام عدنان خاشوقچی و یک ایرانی به نام منوچهر قربانی فر که بعضی او را مشاور نخست وزیر ایران می‌دانند. علاوه بر این یک دلال سلاح اسرائیلی، به نام ال شویمر، نیز توسط لدین و به سفارش دیوید کیچ به مک فارلین معرفی شد.

در نهایت لدین در اواخر جولای با کیچ، قربانی‌فر و شویمر و اسرائیلی دیگری به نام یاکوف نیمرودی (رابط نظامی پیشین اسرائیل و ایران) در اسرائیل ملاقات کرد. در نهایت این امر سبب شد برای برقراری رابطه با ایران در سازمان امنیت ملی طرحی تازه ریخته شود و ایالات متحده به منظور صیانت گروگان‌های خود، موشک ضد تانک تاو و موشک ضد هوایی هاوک را به ایران بفروشد.

در ۳۰ آگوست اسرائیل احساس کرد از طرف سازمان امنیت ملی اجازه یافته است که ۵۰۰ موشک تاو خود را به ایران بفروشد و ایالات متحده این تعداد را جایگزین خواهد کرد. ۱۰۰ عدد از این موشک‌ها در ۳۰ آگوست ۱۹۸۵ به ایران تحویل داده شد و ۴۰۰ موشک باقی مانده در ۱۴ سپتامبر به دست ایران رسید. این معامله باعث شد یکی از گروگان‌های آمریکایی به نام بنیامین ویر در ۱۴ سپتامبر آزاد شود. (خبرگزاری فارس، ویژه‌نامه دفاع مقدس)

۴- در این رابطه پس از سروصدای بسیار محافل مستقل، دولت ایران از نمایندگی حقوق بشر سازمان ملل آقای گالیندویل، برای بازدید از زندان‌های ایران دعوت کرد. که البته معلوم نشد گزارش ایشان به چه کار آمد و بیشتر به نظر می‌رسید این سفر برای ماست ملی کردن قضیه و انحراف افکار عمومی و گشودن راه پرداخت وام‌ها به ایران بود.

۵- روزنامه‌ی آلمانی "کلنراشتات آنتسایگر" به نقل از محافل دیپلماتیک در پاکستان

۶- دکتربین شوک نامی کلین بخش ۷ ص ۴۲۱ یازده ماه پس از سقوط صدام بر طبق نظر سنجی دامشگاه آکسفورد تنها ۲۱ درصد از عراقی‌ها خواهان حکومت مذ‌هبی بودند

قاتل ندا پیدا میشود



مصاحبه اعتماد با معلم موسیقی ندا کیوان مهرگان

حمید پناهی مدرس موسیقی ندا آقا سلطان تنها کسی است که از دقایقی پیش از حادثه تا زمان مرگ وی در کنار او بوده است. پناهی در گفت و گو با اعتماد، ضمن بازگویی آخرین دقایق مرگ ندا نکات تازه‌یی از آنچه در این چهل روز گذشته است را روایت می‌کند. این گفت و گو پیش از دیدار مهدی کروبی با خانواده آقا سلطان انجام شده است.

س - برایم جالب است بدانم ندا آقاسلطان از نگاه شما که بود. آیا اساساً دختری به این نام وجود داشت؟ چون برخی وجود خارجی او را انکار کردند. برخی او را یک هنرپیشه توصیف می‌کردند. ندا آقاسلطان از نگاه شما که بود؟

ج - درباره اینکه برخی وجود او را انکار کردند، آنها را ارجاع می‌دهم به نامه آقای احمدی نژاد. اگر ندا وجود خارجی نداشت، آقای احمدی نژاد دستور پیگیری پرونده او را صادر نمی‌کردند. مضافاً ندا آقاسلطان، فرزند علی صادقه از شهری، شماره شناسنامه ۱۲۰۷، متولد ۲۳ شهریورماه یک هزار و سیصد و شصت و یک، متوفی در سی ام خرداد یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت، قطعه ۲۵۷ بهشت زهرا تهران، ردیف ۴۱.

ندا دختری باهوش، با استعداد و منظم بود. او چندین سال بود که شاگرد من بود. ندا نه شهرت طلب بود نه به دنبال دیده شدن بود. پاسخ به نیازهای روحی او را به سمت هنر موسیقی کشاند.

س - می‌خواهم دوباره روز حادثه را برایم تعریف کنید. آن روز شما آنجا چه می‌کردید؟

ج - چند روزی بود به خاطر تجمعات در خیابان کارگر کلاس‌های ما تشکیل نمی‌شد. آن روز هم کلاس امکان تشکیل نیافت و ما برای دیدن تظاهرات به خیابان رفتیم.

س - داخل تجمع شعار هم می‌دادید؟

ج - ما شعار ندادیم. ندا و ما همه خود را تابع قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم. فکر نمی‌کنم ندا از طرف راهنمایی و رانندگی هم یک بار جریمه شده باشد.

س - به وضع پیش آمده اعتراض داشت؟

ج - بله، او هم مانند دیگر شهروندان ایرانی از وقایع پیش آمده ناراحت بود.

س - رای هم داده بود؟

ج - چند بار تلاش کرده بود، اما نتوانسته بود رای بدهد. س - چرا؟

۷- راه آینده، شماره ۵، نگاهی به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز، علیرضا تقفی

۸- "یکی از پرونده‌های اصلی آقای باراک اوباما، قلب صنعت اتومبیل آمریکا از حرکت باز می‌ایستد"، نوشته Laurent CARROU، لوموند دیپلوماتیک - www.piknet.com

۹- مشاورین شبکه افق اندیشه غرب <http://dibanetwork.net> &task=showpage&http://dibanetwork.net/mods.php?id=Content pid=8

۱۰- نقل از وطن امروز

۱۱- آقای پیتر برایک نماینده وقت شرکت نستله جایزه جوینی را در سال ۱۹۹۸ از بنیامین ناتان یاهو دریافت نمود اسم وی در لیست منتشر شده توسط [virtual Israel web site](http://www.virtualisrael.com) در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ در بخش صنایع غذایی دیده می‌شود که صحت این لیست توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی به تایید رسیده است.

توضیح: جایزه جوینی جایزه ای است که اسرائیل به اشخاص یا سازمانهایی که منظور توسعه اقتصادی این رژیم در خاک فلسطین اشغالی سرمایه‌گذاری می‌کنند پرداخت می‌کند که سهم نستله از این جایزه: ۲۴٪ از ۶/۵ میلیون دلار کمکه‌های اسرائیل به شرکتهای حامی اقتصادی این رژیم در سال می‌باشد.^[1]

2. به گزارش رویتر پخش شده در ساعت ۱۷:۱۲ دقیقه بعد از ظهر روز ۲۴ دسامبر سال ۲۰۰۰ از برنامه اخبار تلویزیون تلاویوگزارش روزنامه معاریو در یکشنبه همان هفته شرکت نستله مرکز تحقیق و توسعه خود را در شهرک سدیروت در شمال غزه که ۲۳۰۰۰ صهیونیست در آن ساکن هستند را افتتاح نموده است و دیگر اینکه ساختمان اصلی شرکت نستله در همین شهرک قرار دارد 3. شرکت نستله در سال ۲۰۰۲ سهام خود در (osem Investment شرکت تولید محصولات غذایی در اسرائیل) را از ۱۰٪ به ۵۰٪ افزایش داد و مشمول معافیت مالیاتی این رژیم شد.

http://www.arabia.com/Qatar/business/article/English/0_5508,36207,00.html

۱۲- به گزارش وب سایت رسمی دولت اسرائیل شرکت کوکا کولا در سال ۱۹۶۶ با تا سیس یک کارخانه در اسرائیل به تحریم اقتصادی اعراب علیه اسرائیل دهن کجی نمود وگام مهمی را در راه تثبیت این رژیم برداشت.^[1]

2. به گزارش Southern Shofar روزنامه رسمی یهودیان در ایلاما هیات اقتصادی دولت اسرائیل در تاریخ ۲۹ می ۱۹۹۷ در یک ضیافت شام که در آتلانتا برگزار شد از نماینده شرکت کوکا کولا به خاطر پشتیبانی‌اش از اسرائیل در مقابل تحریم اقتصادی اعراب درسالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۰ تقدیر نمود.

<http://www.bham.net/shofar/1997/0697/nbriefs.htm>

(ml) کوکا کولا توسط شرکت میترا که بوسیله آژانس یهود پشتیبانی می‌شود برای کارگزارش دوره های آموزشی حمایت از اسرائیل (شامل مشاخره اعراب و اسرائیل) را برگزار میکنند.

<http://www.meitar.org.il/news/news.htm>

5. به گزارش روزنامه هآرتص در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۰۲ شرکت کوکا کولا به منظور اشتغال زایی برای ۷۰۰ اسرائیلی کارخانه ای را در شهرک کیریات گات واقع در حیفا بنا میکند.

<http://www.inminds.co.uk/boycott-news-0226.html>

6. کوکا کولا به اسرائیل کمک نظامی می‌کند: چندی پیش آژانس یهودی دیاسپورا، با انتشار گزارشی از حمایت گسترده شرکت‌های بزرگ جهان به صهیونیسم و رژیم صهیونیستی پرده برداشت. در این گزارش آمده است شرکتهای نوشابه سازی کوکاکولا و پیپسی، هر کدام معادل ۲/۳ میلیارد دلار در سال برای تحقق آرمانهای این آژانس کمک میکنند که این رقم ۵/۴٪ کل فروش سالانه این شرکتهای که بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار می‌باشد را تشکیل می‌دهد.

اما نکته مهم آن است که شرکت کوکاکولا اخیراً تجهیزات رایانه‌ای بسیار مدرنی را به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار در اختیار ارتش اسرائیل قرار داده است.

۱۳- تاریخ: شنبه ۶ آبان ۱۳۸۵ کد مطلب: ۲۲۷۳ - motalebe.ir

۱۴- (عصر ایران ۲۹ تیر ۱۳۸۸) خبرگزاری ریا نویستی، روسیه، ۱۸ فروردین ۱۳۸۸

.....

ج - روز رای گیری به سه شعبه اخذ رای مراجعه می کند اما در هیچ کدام از این سه نمایندگان آقای موسوی حضور ندارند و او هم رای نمی دهد.

س - ندا فردی سیاسی بود؟

ج - به دلیل جوانی اشرافی بر مسائل سیاسی نداشت اما بسیار کنجکاو بود. می خواست بداند، بیشتر بداند. البته به سرنوشت خودش و جامعه اش هم می اندیشید. در این باره هم دغدغه هایی داشت و همین عوامل او را به حضور در تجمع تشویق می کرد.

س - چه مدت در تجمع حضور داشتید؟

ج - کمتر از ۵۰ دقیقه. ما در خیابان کارگر شمالی کنار پمپ بنزین روبه روی مسجد امیر(ع) بودیم بعد هم رفتیم داخل خیابان خسروی که اصلاً تظاهراتی نبود. ۱۰ یا ۱۵ نفر بودند که مثل ما در حال بازگشت از تجمع بودند.

س - در آن منطقه تیراندازی هم شد؟

ج - فقط صدای شلیک یک تیر آمد.

س - کسی را هم دستگیر کردند؟

ج - من وقتی ندا تیر خورد درگیر انتقال او به بیمارستان شدم و در صحنه حضور نداشتم ولی بعد شنیدم یک نفر را دستگیر کرده اند.

س - آقای پناهی، شما نزدیک ترین فرد به ندا در روز حادثه بودید. فیلمی از این حادثه منتشر شد. درباره فیلم هم حرف های زیادی شنیده شد.

برخی این فیلم را ساختگی می دانستند، گروهی بحث نقشه از پیش تعیین شده را مطرح کردند. ماجرا چه بود؟

ج - من تمام فیلم ها را دیده ام و تمام فیلم ها واقعی است.

س - غیر از این فیلم منتشر شده فیلم های دیگری هم وجود دارد؟

ج - بله، فیلم های دیگری هم وجود دارد.

س - شما این فیلم ها را کجا دیده اید؟

ج - دوستان به ما نشان دادند.

س - این فیلم ها از زوایای دیگری است؟

ج - یکسری از فیلم ها، فیلم های معمولی بود؛ فیلم هایی که آدم های معمولی که در صحنه بودند گرفته بودند یا فیلم هایی که از طریق دوربین های بانک و دوربین های راهنمایی و رانندگی گرفته بودند.

س - شما در همه این فیلم ها حضور دارید؟

ج - خیر ما در همه فیلم ها نیستیم. فقط در یکی از فیلم ها یک بزرگ نمایی نسبت به من و خانم آقا سلطان وجود دارد.

س - چرا بزرگ نما؟

ج - شاید به خاطر فاصله سنی مان.

س - چند فیلم وجود دارد؟

ج - فیلم های زیادی هست و علت این همه فیلم هم برایم قابل تامل است.

یک فیلم کامل از صحنه حادثه وجود دارد که با موبایل گرفته اند و نمی دانم چه کسی فیلمبرداری کرده است. یک فیلم هم از بالا برداشته شده که در اختیار ماموران قرار داده شده است.

س - در این فیلم ها هیچ تصویری از ضارب نیست؟

ج - من در این فیلم ها فرد خاصی را ندیدم که اسلحه به دست باشد یا کمین کرده باشد. به همین دلیل ابهام زیادی درباره قتل وجود دارد.

س - وقتی ندا تیر خورد چقدر از او فاصله داشتید؟

ج - شانه به شانه هم راه می رفتیم. من فکر می کردم تیر از جلو شلیک شده اما افرادی که تحقیق می کردند، گفتند تیر از پشت سر شلیک شده است.

س - شما گفتید ابهام زیادی در قتل ندا وجود دارد، از آن طرف هم می گویند قتل ابهام دارد و صحنه سازی است.

ج - آنهایی که می گویند قتل از پیش برنامه ریزی شده است باید به این ابهامات هم پاسخ بدهند که در وهله اول ندا باید یک فعال سیاسی سرشناس یا یک معترض شناخته شده می بود در حالی که هیچ کدام از این موضوعات درباره ندا صدق نمی کند. ندا نه نویسنده بود، نه خطیب بود بنابراین انگیزه سیاسی برای قتل ندا وجود نداشت. یا اینکه باید خصومت شخصی با کسی داشته باشد که به گواه تمام آشنایان و دوستانش او نه تنها با هیچ احدى مشکل نداشت بلکه بسیار مورد توجه دوستانش بود. من علاوه بر اینکه معلم موسیقی ندا بودم از دوستان خانوادگی آنها هستم و در جریان همه مسائل خانوادگی او بودم. اگر مساله بی وجود داشت من هم در جریان بودم.

س - پس به نظر شما چرا از بین جمعیت ندا مورد سوء قصد قرار می گیرد؟

ج - این سوال برای خود من هم مطرح است و چرایی این ماجرا برای من هم وجود دارد. فکر می کنم کسی که دست به این اقدام زده، فرد عاقلی نبوده است. هر قتلی باید برای ضارب و قاتل منافی داشته باشد. مرگ ندا چه منفعتی می تواند به قاتل و ضارب برساند. س - اطراف خیابان کارگر شلوغ بود؟

ج - خیابان کارگر شلوغ بود اما خیابان خسروی شلوغ نبود. گفتیم ۱۰ ، ۱۵ نفر بیشتر در خیابان خسروی حضور نداشتند. کسی هم شعار نمی داد. هیچ بسیجی یا ماموری از ماموران نیروی انتظامی وجود نداشت. بعد از این آقای دکتر حجازی در مصاحبه هایشان با رسانه های خارجی گفتند مردم یک نفر را دستگیر کرده اند. من ندیده ام و نمی توانم کسی را محکوم کنم.

س - آیا خانواده ندا شکایتی مطرح کرده اند؟

ج - اخیراً این کار را انجام داده اند. حدود ۱۰ روز می شود.

س - چرا دیر شکایت کردند؟

ج - چون اطلاعی از نحوه پیگیری و شکایت نداشتند اما اکنون مصمم هستند خون ندا پایمال نشود.

س - تا حالا مظنون یا مظنونینی را دستگیر کرده اند؟

ج - هنوز چیزی به ما اعلام نکرده اند. عکس هایی به من نشان داده اند اما نه می شناختم شان و نه قبلاً آنها را دیده بودم. س - تصاویری از برخی افراد در اینترنت منتشر شده است. شما صحت یا عدم صحت این تصاویر را تایید می کنید؟

ج - ببینید وقتی ندا تیر خورد، من نگران او بودم، سرم پایین بود و کسی را ندیدم بنابراین نه می توانم رد کنم و نه می توانم تایید کنم.

س - نحوه ورود دکتر حجازی به ماجرا چگونه بود؟

ج - ایشان آمد و گفت من پزشک هستم. بعد گفت دستت را بگذار روی محل اصابت تیر و دهانش را باز بگذار. آن موقع نمی دانستم ایشان کیست. بعد ایشان را در فیلم هایی که از او منتشر شد شناختم.

س - فیلمی در صدا و سیما پخش شد که شما در حال توضیح دادن ماجرا هستید. در آن فیلم گوینده می گوید ندا از ۵ دقیقه قبل زیر نظر بوده است.

ج - من هم چنین چیزی شنیده ام. فاصله زمانی فیلمی که ما در خیابان کارگر هستیم تا زمان قتل ۵ دقیقه است ولی تمام ۵ دقیقه فیلمبرداری نشده است.

س - پس از مدت ها پیش زیر نظر نبوده است؟

ج - فکر نمی کنم.

س - ماجرای آن فیلم چه بود؟

ج - من به درخواست مسوولان حاضر شدم صحنه را بازسازی کنم و باید بگویم پخش این فیلم برای من تا حدودی دردسر درست کرد چون فکر می کردند من تحت فشار این مصاحبه را انجام داده ام. ولی در تمام مدتی که از من تحقیقات به عمل آمد هیچ فشار فیزیکی یا روحی بر من وارد نشد. برخوردها بسیار محترمانه بود.

س - تمام فیلم پخش شد؟

ج - ۳۰ درصد آن پخش نشد.

چرا مراسمی برای ندا برگزار نکردید؟

ج - به ما اعلام کردند اگر مراسمی گرفته نشود بهتر است چون ممکن است سوءاستفاده سیاسی شود.

س - به نظر شما قاتل ندا دستگیر می شود؟

ج - من با جدیتی که در نیروها دیده ام و با قدرتی که وزارت اطلاعات دارد خیلی امیدوارم ضارب پیدا شود.

س - نظر خانواده ندا نسبت به بازتاب های قتل ندا چه بوده است؟

ج - آنها خوشحالند که مردم نسبت به قتل مظلومانه ندا بی توجه نیستند و من از طرف این خانواده می گویم این خانواده هیچ مشکلی با نظام ندارند.

س - علت سکوت خانواده ندا در روزهای پس از حادثه چه بود؟

ج - روزهای اول ترسیدند اما وقتی من با آنها صحبت کردم تغییر نظر دادند. از یک هفته پیش وکیل هم گرفته اند و در حال پیگیری هستند.

س - پنجشنبه چهلم نداشت آیا خانواده قصد برگزاری مراسمی را دارند؟

ج - امیدواریم اجازه برگزاری مراسم را بدهند.

.....

تصرف پایگاه اشرف

توسط ارتش و پلیس عراق

نیروهای مشترک ارتش و پلیس عراق امروزه شنبه در یک سلسله عملیات وسیع با صدها تن از نفرات خود، با حمله به پایگاه "اشرف" محل استقرار اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران کنترل پایگاه را به دست گرفتند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک مقام نظامی ارتش عراق در بعقوبه در مورد حملات امروز گفت، مذاکرات برای ورود مسالمت آمیز نیروهای عراقی به پایگاه اشرف به جانی نرسید، از این رو تصمیم گرفته شد پایگاه با توسل به نیروی نظامی تحت کنترل درآید.

یک سخنگوی ارتش عراق نیز با تائید تصرف پایگاه اشرف اظهار داشت که برای این امر به دستور دفتر نخست وزیری عراق دو لشکرمتشکل از چهارصد تن از نفرات ارتش و پلیس از دو استان "دیاله" و "تصره" عملیات نظامی علیه پایگاه را بر عهده داشتند.

به گفته یک سخنگوی پلیس، مجاهدین کوشش کرده اند بطور غیرمسلحانه و با استفاده از امکانات اولیه به مقاومت بپردازند و نیروهای عراقی نیز از باتوم های برقی برای کنترل آنها سود جویند.

متقابلاً سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد نیروهای ارتش با استفاده از "بلدوژر" با ویران کردن درب ورودی پایگاه وارد اشرف گردیده و علیه نفرات مستقر در پایگاه از گاز اشک آور استفاده کرده اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، امریکا را مسئول حفاظت از جان ساکنین اشرف دانسته و از دبیر کل سازمان ملل و سازمان های حقوق بشر بین المللی خواسته است برای متوقف کردن یورش نیروهای نظامی حکومت عراق دست به اقدام فوری به زنند. رادیو فرانسه ۶ مرداد ۱۳۸۸

.....

شرط اعضاء سازمان مجاهدین خلق برای بازگشت به ایران

مریم رجوی، رئیس "شورای ملی مقاومت ایران" می گوید که بعضی از اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران که در اردوگاه اشرف در عراق سکونت دارند، حاضرند با شرایطی به ایران باز گردند.

خاتم رجوی، روز یکشنبه ۴ مرداد (۲۶ ژوئیه) با انتشار بیانیه ای در رم، چند شرط برای بازگشت ساکنان اردوگاه اشرف به ایران تعیین کرده است.

بر اساس بیانیه خاتم رجوی، چنانچه حکومت ایران در "نامه ای رسمی" خطاب به [سازمان] ملل متحد، صلیب سرخ بین المللی و دولت های آمریکا و عراق، متعهد شود که اعضاء سازمان مجاهدین خلق در صورت بازگشت به ایران "از دستگیری و تعقیب و شکنجه و اعدام و هرگونه پیگرد و پرونده سازی قضایی مصون هستند و از آزادی بیان برخوردارند"، ساکنان اردوگاه اشرف به ایران بازخواهند گشت.....

مریم رجوی در بیانیه خود اعلام کرده است که اعضاء سازمان مجاهدین خلق که در اردوگاه اشرف سکونت دارند، حاضرند با شرط های یاد شده، گروه گروه به ایران باز گردند؛ اما فاصله اعزام آنها باید طوری باشد که پابندی حکومت ایران به تعهدهایش در مورد گروه اول آزمایش شده باشد.

به نقل از بی.بی.سی بنابر اطلاعات منتشر شده، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در پی حمله نیروهای عراقی به اردوگاه اشرف، به استثنای مجروحان و بیماران، بقیه ساکنان این اردوگاه دست به اعتصاب غذا زده اند. آن ها تا رسیدن به ۶ خواسته، از جمله خروج نیروهای عراقی و به عهده گرفتن حفاظت اردوگاه اشرف از سوی نیروهای آمریکایی؛ به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

.....

عدم کفایت احمدی نژاد باید بررسی شود

سحام نیوز/سرویس سیاسی/ سعیده ساعدی/نماینده مجلس هشتم در گفتگو با خبرنگار ما با اشاره به اینکه اعتماد احمدی نژاد به ولایت فقیه مخدوش است، گفت: عدم کفایت احمدی نژاد، به دلیل عدم اعتماد به رهبری یکی از گزینه های مورد بررسی مجلس است.

.....

گزیده ای از نامه ای از تبریز خطاب به خامنه ای اکثریت ملت دفتر انتخابات را نیسته است!

اینجانبان امضاء کنندگان زیر گروهی از اقشار و طبقات اجتماعی مختلف شهر تبریز با اتکا به حقوق مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به دلیل نگرانی های جدی که از ادامه روند کنونی حاصل از اعلام نتایج انتخابات بوجود آمده است و با انگیزه و امید به بهبود و اصلاح خود را محق و مکلف می دانیم موارد ذیل را باستحضار برسانیم و جهت اطلاع عموم مردم ایران منتشر نماییم.

اکنون که همه راههای اعتراضی مصرح در قانون اساسی مسدود گردیده و عموماً منجر به بروز خشونت شده و با کمال تاسف و اندوه تعدادی از هموطنان شریف جان خود را از دست داده اند و بسیاری بازداشت گردیده اند یکی از راههای مدنی و منطقی و قانونی اعلام اعتراض و نگرانی خود به وضع بحرانی موجود را مکتوب نمودن در خواستها و ارسال آن یافتیم اگر چه احتمال می دهیم حتی این حد اقل نیز مصون از بی مهری دست اندر کاران نباشد.

ابهام و شک موجود در نتایج اعلام شده انتخابات، واقعیتی است که عدم توجه به آن تاکنون منجر به بروز خسارتهای جبران ناپذیر معنوی و مادی برای میهنمان و خدشه دار شدن اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران گردیده است و بیم آن می رود که ادامه روند کنونی و عدم اتخاذ روشی که افکار عمومی اکثریت جامعه ایرانی را قانع کند منجر به صدمات و مضرات بیشتری گردد. همانگونه که انتظار می رفت، موکل کردن حل قضیه انتخابات به نهاد شورای نگهبان که به دلایل متعدد و معلوم خود یکی از عوامل نابسامانی کنونی است گری از مشکل نگشود. اینک با به خطر افتادن امنیت اجتماعی و فدا شدن جان انسانهای بیگناه و ایجاد بی اعتمادی عمیق در داخل و خارج نسبت به مشروعیت نتایج اعلام شده انتخابات، آیا وقت آن نرسیده که در کمترین زمان ممکن تدبیر مقتضی با ملحوظ نمودن نظرات دلسوزان و فرهیختگان نسبت به اصلاح و ترمیم شرایط پیش آمده به عمل آید؟

ما امضاء کنندگان این نامه علیرغم تأیید نتایج انتخابات از طرف شورای نگهبان و با توجه به موارد فوق و همه آنچه که در ایام قبل و بعد از انتخابات ۲۲ خرداد در میهن عزیزمان شاهد بوده ایم و از روی دلسوزی و خیر خواهی برای ملک و ملت ایران همچنان بر این باوریم که موضوع انتخابات و ابهام در نتایج آن از نظر اکثریت ملت ایران خاتمه یافته نیست

.....

مسلمان! حذف خشونت از صحنه اجتماع، بر طرف نمودن محدودیت های اطلاع رسانی داخلی، آزادی سریع بازداشت شدگان و جبران خسارتهای مادی و معنوی مصدومین و متالمین حوادث اخیر فضای عمومی جامعه را تلطیف نموده و موجبات حفظ و دوام قوام اجتماعی را فراهم خواهد آورد.....

متن کامل این نامه و اسامی امضاء کنندگان را میتوانید در سایت روشنگری ملاحظه نمائید.

.....

پدر امیر جوادی فر؛ قربانی شکنجه های کودتاجیان:

چند جای بدن فرزندم شکسته بود!

مصاحبه از فرشته قاضی/روز: پیکرامیر جوادی فر، دانشجوی مدیریت دانشگاه آزاد قزوین روز گذشته در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. پیکر بی جان این جوان ۲۵ ساله را که روز ۱۸ تیر بازداشت شده بود، دیروز در حالی به خانواده اش تحویل دادند که آنها پیش از آن نمی دانستند فرزندشان کجا و در چه شرایطی نگهداری می شود. علی جوادی فر، پدر این جانباخته که به شدت متأثر است و نمی تواند به راحتی سخن بگوید، از سال ها پیش فرزندش را بدون مادر بزرگ کرده و امروز جز پسری کوچک، دیگر فرزندی ندارد. با وی از امیر گفته ایم. این مصاحبه را می خوانید.

.....

مخالفت وزارت کشور با برگزاری مراسم چهلم در مصلای تهران

صدای آلمان: مدیر کل سیاسی وزارت کشور کشور گفته که برگزاری مراسم یادبود مرسوم نیست و اجازه برپایی چنین مراسمی داده نمی شود. اشاره ای او به مراسمی است که موسوی و کروبی میخواستند به یاد قربانیان حوادث اخیر در مصلای بزرگ تهران برگزار کنند. ۶ مرداد

.....